بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العلمین الرحمن الرحیم ملک یوم الدین والصلوة والسلام علی سید المرسلین وامام المتقین خیر خلق الله اجمعین وعلی اله واصحابه سُرُج الدین ونجوم الطریق المستقیم بدان اسعدک الله تعالی فی الدارین که اسلام کامل عبارت از انکه تسلم کل ذی حق حقه یعنی انکه حق هر صاحب حق سالم و کامل وا کنی بیقصور وبیفتور

قسم اول از حقوق حق الله است اول حق الله تعالی واکنی که وجود و توابع وجود هرچه هست عطای وست لا شریک له هر نفسی که فرو میرود ممد حیاتست وچون بر می آید مفرح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجودست و بهر نعمتی شکری واجب **بیت** از دست و زبان که بر آید کز عهده شکرش بدر آید پس اگر توفیق شکر نعمتی از نعما دریابی خواه بزبان یا بجوارح یا دل از مواهب اوست جل شانه توفیق شکر هم از مواهب او پس در هر شکر چندین شکر واجب شود و پس خروج از عهده شکر او تعالی محالست و مستلزم تسلسل قال الله تعالی وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الله لغفور رحیم یعنی اگر بشمرید نعمتهای خدا را نتوانید احاطه کرد بدرستیکه حقتعالی بخشنده مهربان هست در کلمه غفور رحیم اشارتست بدانکه حقتعالی بفضل و رحمت خود تکلیف مالایطاق نداده و ادای حق شکر بخشیده و معاف فرموده و بقدر وسع شکر واجب ساخته هر کسیکه بقدر طاقت انسانی در ادای شکر او کوشید بفضل و رحمت خود او را شکور بصیغه مبالغه خوانده چنانچه در حق نوح علیه السلام فرموده انه کان عبدا

سُرُج بضمتین جمع سراج بمعنی چراغ

تشکرون یعنی بود نوح علیه السلام بنده بسیار شکر کننده و هر که در معتقد و در خود از شکر او تقصیری و در زبحت
ظالم و نهایت کافر نعمت باشد که در شکر نعمتهای غیر متناهی چنین منعم از ادای شکر یعنی از مقصود تقصیر کرده
قال الله تعالی فان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الانسان لظلوم کفار یعنی اگر بشمرید
نعمتهای خدا را نتوانید احاطه کرد و بدرستیکه انسان یعنی اکثرشان هر آینه سخت ظالم و بسیار کافر ند نعمتهای
او را پس قدری از شکر که از بندگان مطلوبست آنست که او سبحانه را بصفات کمال و مطابق نفس الامر
بقدر طاقت بشری بشناسند و از اعتقادات و اخلاق و اعمال آنچه مرضیات اوست بوجود آرند آنچه که بر
ذمه عباد و از آن واجب ساخته است آنرا بصفات کمال او اسازند و از مکروهات و منهیات جناب او پرهیز
کنند و رضای او تعالی بر رضامندی نفس خود و رضای هر مخلوق مقدم ارند تا بروز علمت نفس ما قدمت و اخرت
شرمساری نکرده ند یعنی نفس هر یک در روز قیامت خواهد دانست که چه چیز را مقدم داشته و چه چیز را موخر کرده
نفس بر رضای خدا یا بعکس خدا بر رضا نفس قال الله تعالی قل ان کان اباؤکم و ابناؤکم و
اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترفتموها و تجارة تخشون
کسادها و مسکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی
سبیله فتربصوا حتی یاتی الله بامره یعنی بگو ای محمد اگر باشند پدران شما و پسران شما و برادران شما و زنان
شما و قبائل شما و مالهای که کسب کرده اید و سوداگری که بترسید از فوت شدن منفعت آن و خانهای که پسند
شماست دوست تر نزد شما از خدا و رسول او و جهاد کردن و کوشش نمودن در مرضیات او پس منتظر باشید
وقت آمدن امر و قضای او و بعذاب در دنیا یا در آخرت مسلمانرا باید که هر کرا دوست دارد برای خدا دوست دارد و هر کرا
دشمن دارد برای خدا دشمن دارد و هر کرا چیزی بدهد برای خدا بدهد و هر کرا ندهد برای خدا ندهد و لقمه اگر در دهن خود یا در دهن
زن خود نهد باین نیت نهد که حق تعالی برمن واجب کرده است رسول فرموده من احب لله و ابغض لله و اعطی
لله و منع لله فقد استکمل الایمان ابو داود از ابی امامه و ترمذی از معاذ این حدیث روایت کرده اند یعنی هر که دوست
دارد برای خدا و دشمن دارد برای خدا و بدهد برای خدا و ندهد برای خدا پس بدرستیکه ایمان خود را کامل کرده و رسول فرموده
اذا انفق المسلم نفقة علی اهله و هو یحتسبها کانت له صدقة
متفق علیه عن ابن مسعود یعنی اگر خرج کرد مسلم بر اهل خانه خود به نیت عبادت باشد او را صدقه فصل پس
وصفات و مرضیات و مکروهات حق سبحانه و تعالی بی توسط پیغمبران صورت نه بندد و عقل در آن کافی

از ابن مسعود کرده شده است مسلم هر دو روایت یعنی در صحیح بخاری

نیست از نجهت ایمان بکتب الهی و رسل و بما جاء به الرسل داخل ایمان بحق شده رسول فرموده صلعم فرستادگان قبیله عبد القیس را اَتَدْرُوْنَ مَا الْاِیْمَانُ بِاللّٰہِ وَحْدَہٗ یعنی میدانید که ایمان بخدا چیست آنها گفتند خدا و رسول او دانا ترند فرموده شَهَادَةُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰهِ یعنی گواهی دادن بتوحید و رسالت رسول الله متفق علیه عن ابن عباس و طاعت رسول الله اطاعت خدا گشته قال الله تعالیٰ مَنْ يُّطِعِ الرَّسُوْلَ فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰهَ یعنی هر که فرمانبرداری کند رسول را او فرمانبرداری خدا کرد و محبت رسول الله صلعم برنگ محبت خدا بلکه عین محبت او تعالیٰ شده رسول فرموده صلعم لَا يُؤْمِنُ اَحَدُكُمْ حَتّٰى اَكُوْنَ اَحَبَّ اِلَيْهِ مِنْ وَّالِدِهٖ وَوَلَدِهٖ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ متفق علیه عن انس یعنی ایمان یکی از شما صحیح نباشد تا دوست تر باشم نزد او از والد و فرزند او و از تمام مردمان پس ادای حقوق رسول الله صلی الله علیه وسلم از طوق بشر خارج است اما مطلوب بقدر طاقت است و آن امتثال اوامر و نواهی و کثرت صلوٰة و سلام بر وی و محبت آل و اصحاب

فصل پس بدانکه چون شناختن ذات و صفات و مرضیات و مکروهات بتوسط رسول صلعم رسید خصوصاً بسعی خلفاء راشدین دین قوت و رونق گرفت و اقوال و افعال علیه السلام که بعضی صحابه را معلوم بود و اکثر را معلوم نبود از سعی آنها شهرت گرفته مسایل خلافیه مجمع علیه گشته که در هر مسئله صحابه را جمع کرده و تحقیق کرده ترویج میکردند پس ادای حق صحابه و اهل بیت عین ادای حق رسول است و محبت و طاعت شان مثل محبت و طاعت رسول گشته فرموده رسول صلعم مَنْ اَحَبَّهُمْ فَبِحُبِّيْ اَحَبَّهُمْ وَمَنْ اَبْغَضَهُمْ فَبِبُغْضِيْ اَبْغَضَهُمْ وَمَنْ اٰذَاهُمْ فَقَدْ اٰذَانِيْ وَمَنْ اٰذَانِيْ فَقَدْ اٰذَى اللّٰهَ رواه الترمذی عن عبد الله بن مغفل فرموده اِقْتَدُوْا بِالَّذَيْنِ مِنْ بَعْدِيْ اَبِيْ بَكْرٍ وَّعُمَرَ رواه مسلم والترمذی عن حذیفه یعنی هر که دوست دارد اصحاب را پس بدوستی من آنها را دوست داشته و هر که آنها را دشمن داشته پس بدشمنی من آنها را دشمن داشته و هر که آنها را ایذا کرده پس بدرستی مرا ایذا کرده و هر که مرا ایذا کرده پس بدرستیکه خدا را ایذا کرده و فرموده پیروی کنید بهر دو خلیفه که بعد من باشند ابوبکر و عمر و فرموده عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِيْ وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِيْنَ مِنْ بَعْدِيْ یعنی لازم گیرید سنت من و سنت خلفاء الراشدین را که بعد من باشند و فرموده اَنَا مَدِيْنَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا رواه الطبرانی والحاکم عن ابن عباس من شهر علم و علی دروازه آنست و فرموده اِنِّيْ تَارِكٌ فِيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللّٰهِ وَعِتْرَتِيْ رواه احمد والطبرانی عن زید بن ثابت یعنی میگذارم بعد خود نزد شما دو وسیله محکم یکی قرآن دوم عترت خود و فرموده صلی الله علیه وسلم خُذُوْا نِصْفَ

العلم من هذه الحميراء بگیرید نصف علم از زن حمیرا یعنی عائشه رضی الله تعالی عنها و فرمود صلی الله علیه وسلم
اصحابي كالنجوم بايهم اقتديتم اهتديتم رواه رزین عن عمر یعنی اصحاب من مانند ستارگان اند بهر که
از آنها پیروی کنید بهدایت رسید چنین احادیث بسیار اند **فصل** همچنین ادای حق علما محدثین فقها مجتهدین
مصنفان کتب دین و سلسله اساتذه علوم ظاهر پیران اساتذه علوم باطن در رنگ حق صحابه اهلبیت واجب و
حق خدا و رسول است که اینها وارثان پیغمبر حاملان دین اند قال رسول الله صلعم ان العلماء
ورثة الانبياء وان الانبياء لم يورثوا دينارا ولا درهما وانما ورثوا العلم
رواه اصحاب السنن عن کثیر بن قیس یعنی بدرستیکه علما وارثان انبیا اند و بدرستیکه انبیا میراث نگذاشته اند دینار و
درهم را و جز این نیست که میراث گذاشته اند علم را قال علیه السلام فضل العالم على العابد كفضلي
على ادناكم ثم تلا انما يخشى الله من عباده العلمؤا رواه الترمذی عن ابی امامة والدارمی عن
مکحول والحسن مرسلا یعنی فرمود آنحضرت فضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت منست بر ادنی مسلمان پس تر خواند آیة یعنی
نمیترسند از خدا از جمله بندگان او مگر عالمان فرموده رسول صلی الله علیه وسلم انما بعثت
معلما یعنی حق تعالی مرا نفرستاده است مگر برای تعلیم کردن و رسول فرمود صلعم الله اجود جودا
وانا اجود بني آدم واجودهم بعدي رجل علم علما فنشره يأتي يوم القيمة
امة واحدة رواه البیهقی عن انس یعنی الله تعالی جوادترست و من جوادترین آدمیانم جوادتر آدمیان
بعد من مردی باشد که علم آموخت و در مردم پراگنده کرد در روز قیامت بیاید جماعتی تنها ظاهر مراد اینست که هر چند
امتی ست نبی نیست که امت باو منسوب شد اما جماعت تلامذه مثل است باشد فرمود رسول صلی الله علیه وسلم يوزن
يوم القيمة مداد العلماء ودم الشهداء فيرجح مداد العلماء على دم الشهداء
رواه الذهبی عن عمران بن حصین یعنی وزن کرده خواهد شد روز قیامت سیاهی علما و خون شهیدان
پس سیاهی علما غالب شود بر خون شهیدان اطاعت علما و اولیا اطاعت خدا و رسول ست صلی الله
علیه وسلم و محبت شان قال الله تعالی يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول
واولي الامر منكم
یعنی فرمانبرداری کنید خدا و رسول خدا او کسانی را که امر خدا به بندگان رسانند یعنی رسول الله
صلی الله علیه وسلم و اصحاب او اهل بیت او علیهم السلام علما ظاهر باطن بندگان خدا اند

حقوق شان واخل حقوق العباد ست اما لحق ست بحق الله تعالی اگر اینها نمی بودند کسی خدا را نمیشناخت وحق بندگی ادا
نمیکرد و رسول فرمود لولا الله ما اهتدینا ولا تصدقنا ولا صلینا
یعنی اگر نمی بود هدایت خدا بانزال کتب و ارسال رسل کسی هدایت نمییافت و کسی ادای زکوة و نماز نمی کرد و اینها مستغرقند
در ذکر خدا از دیدن اینها خدا یاد می آید و دوستی و دشمنی ایشان دوستی و دشمنی با خداست و در حدیث قدسی آمده
مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ رواه البخاری عن ابی هریرة یعنی هر که دشمنی کند با ولی من پس
خبر دار میکنم او را با جنگ کردن با من و نیز در حدیث قدسی آمده اَوْلِيَائِي مِنْ عِبَادِيَ الَّذِيْنَ يُذْكَرُوْنَ
بِذِكْرِي وَاُذْكَرُ بِذِكْرِهِمْ رواه البغوی یعنی اولیای من از بندگان من کسانی هستند که یاد کرده شوند بیاد کردن
من و من یاد کرده شوم از یاد کردن آنها همچنین در حدیث نبوی آمده **قسم دوم** قسمی دیگر از حقوق العباد
حق کسانیکه بنظر بعضی از حقوق الله آمده اند و در ظاهر واسطه افتاده اند در ایجاد و پرورش و روزی
رسانیدن مانند آن چنانچه مادر و پدر و اجداد و جدات و کسانیکه در ظاهر حقتعالی بتوسط شان روزی ساند
یا از آنها پرورش کناند یا نوعی از انعام مالی یا راحت بدنی یا عزت یا شفقتی از منافع بتوسط شان رساند
شکر اینها هم مثل مادر و پدر و اجبست رسول فرمود مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللهَ رواه مسلم والترمذی
عن ابی سعید الخدری یعنی هر کس شکر آدمیان نکند شکر خدا نکرده **فصل** واکثر از آن حقوق الدین ست قال
الله تعالی وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ اُمُّهٗ وَهْنًا عَلٰى وَهْنٍ وَّفِصَالُهٗ فِيْ عَامَيْنِ
اَنِ اشْكُرْ لِيْ وَلِوَالِدَيْكَ یعنی امر کردیم انسان را آنکه نکوئی کند با مادر و پدر نکوئی کردنی مادر او در شکم برداشت
او را بمشقت بر مشقت و دو سال و را شیر داده شکر کن برای من و برای مادر و پدر خود انتهی و در قرآن چند جا آمده
و رسول در کبایر ذکر کرده اشراک و عقوق الدین را متفق علیه عن عبد الله بن عمرو عقوق عبارتست از ایذا
کردن و نافرمانی کردن معنی عق بالتشدید شق و قطعیت ضد بر و صله و احمد از معاذ بن جبل روایت کرده که رسول
بده چیز وصیت کرده از آنجمله گفت لَا تُشْرِكْ بِاللهِ شَيْئًا وَاِنْ قُتِلْتَ اَوْ حُرِّقْتَ وَلَا
تَعُقَّنَّ وَالِدَيْكَ وَاِنْ اَمَرَاكَ اَنْ تَخْرُجَ مِنْ اَهْلِكَ وَمَالِكَ
الحدیث یعنی شریک مکن بخدا چیزی را اگرچه کشته و سوخته شوی و نافرمانی والدین مکن اگرچه امر کنند ترا به آنکه
بیرون شوی از اهل و مال خود و در صحیحین از ابو هریره رض روایت کرده که مردی از رسول پرسید که
زیاده حق برای نیکو صحبتی کیست فرمود مادر تو گفت پس کیست فرمود مادر تو گفت پس کیست گفت مادر تو

ثم پدر تو پس گفت پدر تو پیشتر اقرب بعد اقرب و رسول فرموده رَغِمَ اَنْفُهُ رَغِمَ اَنْفُهُ رَغِمَ اَنْفُهُ

یعنی سه بار فرمود خاک آلوده باد بینی او گفتند آن کیست یا رسول الله فرمود مَنْ اَدْرَكَ وَالِدَيْهِ عِنْدَ الْكِبَرِ

اَحَدُهُمَا اَوْ كِلَاهُمَا ثُمَّ لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ رواه مسلم عن ابی هریرة یعنی کسیکه مادر و پدر را یکی یا هر دو در پیری یافت و داخل

بهشت نشد و ترمذی از ابن عمر روایت کرده که مردی گفت یا رسول الله از من گناهی عظیم بوقوع آمده

توبه من چگونه باشد فرمود ترا مادر هست گفت نه فرمود که خاله هست گفت هست فرمود با وی نکوئی کن قال رسول الله صلعم

مَنْ اَصْبَحَ مُطِيعًا لِلّٰهِ فِيْ وَالِدَيْهِ اَصْبَحَ لَهٗ بَابَانِ مَفْتُوْحَانِ مِنَ الْجَنَّةِ وَاِنْ كَانَ وَاحِدًا فَوَاحِدًا

وَمَنْ اَمْسٰى عَاصِيًا لِلّٰهِ فِيْ وَالِدَيْهِ اَصْبَحَ لَهٗ بَابَانِ مَفْتُوْحَانِ مِنَ النَّارِ وَاِنْ وَاحِدًا فَوَاحِدًا

هر که باشد فرمانبردار خدا در ادای حقوق والدین باشند برای او دو دروازه کشاده بسوی بهشت و اگر یکی باشد یکی باشد و هر که

باشد نافرمانبردار خدا در ادای حقوق والدین باشند برای او دو دروازه کشاده بسوی آتش و اگر یکی باشد یکی باشد

مردم گفتند یا رسول الله اگر پدر و مادر برو ظلم کنند فرمود وَاِنْ ظَلَمَاهُ وَاِنْ ظَلَمَاهُ وَاِنْ ظَلَمَاهُ

یعنی سه بار گفت اگرچه برو ظلم کنند و فرمود صلی الله علیه وسلم مَا مِنْ وَلَدٍ بَارٍّ يَنْظُرُ اِلٰى وَالِدَيْهِ نَظْرَةَ

رَحْمَةٍ اِلَّا كَتَبَ اللّٰهُ لَهٗ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حَجَّةً مَبْرُوْرَةً یعنی نیست هیچ پسر نیک که نظر کند بسوی والدین بمهر مگر

آنکه بنویسد حق تعالی برای او عوض هر نظر ثواب حج پاکیزه از گناه مردم گفتند یا رسول الله اگرچه ببیند هر روز صد بار فرمود

نَعَمْ اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَاَطْيَبُ یعنی آری حق تعالی بزرگتر است و خوبتر روایت کرده هر دو حدیث را بیهقی از

ابن عباس شخصی گفت یا رسول الله من جهاد دارم فرمود که ترا مادر هست گفت هست فرمود که در خدمت

او باش بهشت نزد قدم اوست حدیث نبوی اِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ اَقْدَامِ اُمَّهَاتِكُمْ

روایت کرد این را بیهقی از معاویة بن جاهمة ابن عمر گفت یا رسول الله مرا زنی هست که من او را دوست میدارم و پدرم

او را مکروه میدارد فرمود که او را طلاق ده و ترمذی و ابو داود این را از ابن عمر آورده مردی از رسول الله صلعم

پرسید که حق مادر و پدر چیست فرمود که ایشانها بهشت و دوزخ تواند ابن ماجه این را از ابی امامه روایت کرده مردی

پیش رسول صلعم آمد و گفت که پدر من محتاج است بسوی مال من یعنی میخواهد که مال من بگیرد فرمود اَنْتَ وَمَالُكَ

لِاَبِيْكَ اِنَّ اَوْلَادَكُمْ مِنْ اَطْيَبِ كَسْبِكُمْ فَكُلُوْا مِنْ كَسْبِ اَوْلَادِكُمْ رواه ابو داود و ابن ماجه

عن عمرو بن شعیب عن ابیه عن جده یعنی تو و مال تو برای پدر تست بدرستیکه اولاد شما از پاکیزه ترین کسب شماست

بخورید شما از کسب اولاد خود پس نفقه مادر و پدر و اجداد و جدات که مفلس باشند گو قدرت بر کسب داشته باشند بر فرزند عاقل بالغ

که قدرت بر کسب داشته باشد و واجبست اگرچه کافر باشند از اهل ذمه و در صحیحین از اسما بنت ابی بکر روایت کرده که از
رسول کریم پرسیدم که مادر من آمده است کافره است صله با وی کنم فرمود آری بکن و در امتثال امر رضای آنها واجبست
مگر در معصیت و ترک فرایض ترمذی از عبد الله بن عمر روایت کرده که فرمود رسول صلی الله علیه و سلم
رضامندی خدا در رضامندی پدر است و ناخوشی خدا در ناخوشی پدر است حق تعالی فرموده وَإِنْ جَاهَدَاكَ
عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا
مَعْرُوفًا یعنی اگر جنگ کنند پدر و مادر تو به آنکه شریک گوئی با من چیزی را که تو علم نداری بآن یعنی علم
بتوحید داری پس این امر فرمانبرداری آنها مکن و در دنیا صحبت بخوبی به آنها کن رسول صلی الله علیه
و سلم فرمود لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ رواه احمد و الحاکم عن عمران و الحکم عن عمرو الغفاری
و فی الصحیحین لَا طَاعَةَ لِأَحَدٍ فِي مَعْصِيَةِ اللهِ إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ یعنی جایز نیست فرمانبرداری
هیچکس از مخلوقات در نافرمانی خدا اطاعت جایز نیست مگر آنچه در شرع جایز است **فصل** از جمله حقوق پدر و دو سیمی
کردنست با دوستان پدر و نکوئی کردن با دوستان پدر در غیبت او و صله عبارت است از آنچه موجب وصلت
و اخلاص باشد از رعایت مالی و خدمت بدنی و حسن اخلاق **فصل** در حق اقربا و از جمله
حقوق پدران و مادران است صله و نکوئی با اولاد آنها یعنی با برادران و خواهران و خالات پدر و مادر و
اولاد ایشان و همچنین الاقرب فالاقرب یعنی هر قدر که در نسب قریب تر باشد حق او زیاده تر باشد
حق تعالی فرموده در چند جا وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ یعنی بده صاحب قرابت را حق او لهذا هر کس
را که غنی باشد واجبست بروی نفقه ذی رحم محرم که فقیر باشد و بر کسب قدرت نداشته باشد اگر مسلم باشد
قال الله تعالی وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَٰلِكَ یعنی بر وارث نفقه واجبست مثل نفقه اولاد و هر کس که ذی رحم
محرم خود را مالک شود بمجرد مالک شدن آزاد گردد اگرچه کافر باشد قال علیه السلام مَنْ مَلَكَ ذَا رَحِمٍ
مَحْرَمٍ عَتَقَ عَلَيْهِ رواه احمد و ابو داود و الحاکم عن سمرة یعنی هر که مالک شود ذی رحم محرم خود را بر وی آزاد شود
و جمع کردن دو زن ذی رحم محرم حرام است که موجب قطع رحم میشود و از اقربا هر کس که محرم نیست گو نفقه او واجب نیست
لیکن صله او واجبست و قطع رحم حرام است و ناموافقت آنها جایز نیست عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ
رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَلَقَ اللهُ الْخَلْقَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهُ قَامَتِ الرَّحِمُ
فَأَخَذَتْ بِحَقْوِ الرَّحْمٰنِ فَقَالَ مَهْ قَالَتْ هٰذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ الْقَطِيعَةِ قَالَ أَلَا

ترضين ان اصل من وصلك واقطع من قطعك قالت بلى يا رب قال فذاك متفق عليه
یعنی خدا تعالی پیدا کرد خلق را و هرگاه که حق تعالی از پیدا کردن خلق فارغ شد رحم برخاست و حقو رحمان گرفت حقو بند ازار را
گویند و این مجاز است و مراد اینست که از جناب ایزد پناه جست عرب میگوید عذت بحقو فلان یعنی پناه جستم بسوی فلان حق تعالی
رحم را فرمود که چه میخواهی گفت که ایستاده ام پناه جوینده از قطع فرمود که آیا راضی نمیشوی باینکه من وصلت کنم با آنکه وصل
کند ترا و قطع کنم از هر که قطع کند ترا گفت که راضی شدم ای رب فرمود پس چنین کنم و در حدیث قدسی آمده انا
الله وانا الرحمن خلقت الرحم وشققت لها من اسمي فمن وصلها وصلته ومن
قطعها بتته رواه ابو داود والترمذي واحمد والحاكم عن عبد الرحمن بن عوف والحاكم عن ابي هريرة یعنی من الله ام
و من رحمن ام رحم را پیدا کردم و نام او را از نام خود برآوردم پس هر که او را وصل کند من با وی وصل کنم و هر که او را قطع
کند من از وی قطع کنم و بخاری از ابو هریره از رسول صلعم روایت کرده که فرمود الرحم شجنة من الرحمن فقال
الله من وصلك وصلته ومن قطعك قطعته یعنی رحم اتصالی دارد بکیفیت با خدا
حق تعالی فرمود یعنی هر که ترا وصل کند من با وی وصل کنم و هر که ترا قطع کند من از وی قطع کنم و از عایشه رضی الله
عنها در صحیحین مثل آنست و در صحیحین از جبیر بن مطعم مرویست که فرمود رسول صلعم قاطع رحم داخل بهشت نشود و بیهقی
از عبد الله بن ابی اوفی روایت کرده که آنحضرت فرمود صلعم که رحمت نازل نمیشود که در آنها یک کس قاطع رحم میشود و
در وجوب صله رحم و حرمت قطع احادیث بسیار وارد شده لهذا بر هر کس لازم که بنسبت خود خبردار باشد تا صله رحم
کند و قطع از وی ظهور ننماید **فایده** رسول فرمود صلعم حق برادر بزرگ بر برادر خورد مثل حق پدر است بر پسر
این حدیث در بیهقی از سعید بن عاص روایت کرده حق سبحانه بر کسیکه فساد کند در زمین و بر قاطع رحم لعنت کرده
و گفته فهل عسيتم ان توليتم ان تفسدوا في الارض وتقطعوا ارحامكم اولئك
الذين لعنهم الله فاصمهم واعمى ابصارهم یعنی قریب است که اگر رو گردانی کنید از حکم خدا آنکه فساد کنید در زمین
و قطع کنید ارحام خود را آنها هستند که لعنت کرده آنها را حق تعالی پس کر نمود آنها را که حق نمیشنوند و کور کرده چشمهای آنها را که حق را نمی بینند
امام احمد حنبل رح لعنت بر یزید جایز گفته و با وجود قبایح بیشمار یزید بنا بر قطع رحم باین آیت بجواز لعنت او استدلال کرده **سوال**
اگر کسی از قرابت رحم با کسی بد سلوکی کند و قطع رحم نماید و هم از وی قطع جایز باشد یا نه **جواب** هم را لازم که صله کند و قطع نکند و وبال قطع رحم
بر قاطع رحم خواهد شد و برکات صله مبارک بر واصل رسول فرمود صلعم ليس الواصل بالمكافي ولكن الواصل الذي
اذا قطعت رحمه وصلها رواه البخاري عن ابن عمر یعنی واصل آن نیست که در مقابله نکوئی نکوئی کند واصل آن

رحم اند و وصل کند یعنی عوض بدی نیکی کند **بیت** بدی را بدی سہل باشد جزا اگر مردی احسن الی من اسا
مسلم انّ ابا ہریرۃ روایت کردہ کہ مردی از رسول صلعم گفت کہ یا رسول اللہ مرا اقربا ہستند من صلہ آنہا میکنم و آنہا
از من قطع میکنند و من با آنہا نکوئی میکنم و آنہا بدی میکنند و من از آنہا حلم میکنم و آنہا بر من جہل میکنند آنحضرت فرمود صلعم
لئن كنت كما قلت فانما تسفهم الملّ ولا يزال من الله معك ظهير عليهم ما
دمت على ذلك یعنی اگر چنین ست کہ تو میگوئی پس گویا تو میخورانی آنہا را خاکستر گرم یعنی آتش میخورانی کہ ہلاکت آنہا
آنست و ہمیشہ ترا از خداوند مددگاری خواہد بود بر آنہا تا وقتیکہ بر این خصلت باشی **فایدہ** صلہ رحم سوای ثواب در آخرت
در دنیا فواید بسیار دارد رسول فرمود صلعم من احبّ ان يبسط له رزقه وينسأ له في اثره فليصل رحمه
متفق علیہ عن انس یعنی ہر کہ خواہد کہ فراخ شود رزق او و باقی ماند ذکر او از ماندن اولاد و ماندن آن ذکر کنندگان خیر پس باید
کہ صلہ رحم کند و رسول فرمود تعلّموا من انسابكم ما تصلون به ارحامكم فانّ صلة الرحم محبّة في
الاهل مثراة في المال منسأة في الاثر رواه الترمذی عن ابی ہریرۃ یعنی قرابتہای خود را دانستہ باشید تا صلہ رحم کنید کہ صلہ رحم
موجب محبت ست در اہل و موجب زیادتی ست در مال و بقای ذکر قطع رحم را سوای آنکہ عذاب باشد در آخرت وبال در دنیا
ہم لاحق شود رسول فرمود ما من ذنب احرى ان يعجّل الله لصاحبه العقوبة في الدنيا مع ما يدّخر
له في الآخرة من البغي وقطيعة الرحم رواه الترمذی و ابو داود عن ابی بکرۃ یعنی گناہی نیست
لایق تر بآنکہ عقوبت و وبال رسد صاحب او را در دنیا باآنکہ ذخیرہ داشتہ شود عذاب برای او در آخرت از بغی کردن با
بادشاہ عادل و قطع کردن رحم و نیز بیہقی از ابی بکرہ روایت کردہ رسول فرمود كلّ الذنوب يغفر الله
منها ما شاء الّا عقوق الوالدين فانّه يعجّل لصاحبه في الحيوة قبل الممات
یعنی ہر گناہ کہ باشد می بخشد خدا تعالی از و آنچہ خواہد مگر عقوق والدین پس بدرستیکہ جلد میرساند او را عذاب در زندگی پیش
از مرگ **فصل** چون نظر بر حقوق پدر و در صلہ برادران و خواہران و دیگر اقربا واجب شد نظر بر حقوق رسول و خلفا
و پیران و استادان صلہ و نکوئی باجماعہ سادات و مشایخ و فرزندان پیران و استادان ہم ضرورست قال اللہ تعالی قل
لا اسألكم عليه اجرا الّا المودّة في القربى بگوای محمد نمیخواہیم از شما بر تبلیغ رسالت مزدوری لیکن دوستی ما
و اقربای من شمار اپیاید و قال تعالی قل ان كان للرحمن ولد فانا اوّل العابدين
یعنی بگوای محمد کسانی را کہ خدا را ولد ثابت میکنند تعالی اللہ عن ذلک اگر رحمن را ولد میبود من اول عبادت او میکردم
حق تعالی از آن منزہ ست ازین آیہ مستفاد میشود کہ ہر کرا حقی بر ذمہ شخصی باشد باید کہ اولاد او ادای حق کنند

حقوق رسول و اولیا و مشایخ و سادات

سوال از اولاد سادات و پیرزادگان اگر کسی فاسق یا کافر یا رافضی باشد با او چه سلوک باید کرد **جواب**
اگر فاسق باشد نصیحت باید کرد و ادای حق باید نمود و اگر رافضی باشد آن باشد که بکفر رساند با او دوستی نباید نمود
حق تعالی میفرماید یا أیها الذین آمنوا لا تتولوا قوما غضب الله علیهم قد یئسوا من
الآخرة کما یئس الکفار من أصحاب القبور یعنی ای مسلمانان دوستی مکنید با قومیکه خدا غضب کرد بر آنها
بدرستیکه ناامید اند از آخرت چنانکه ناامید هستند کفار از اصحاب قبور و حقتعالی میفرماید در حق پسر نوح ع إنه لیس من
أهلك إنه عمل غیر صالح و رسول فرموده إن آل أبی فلان لیسوا بأولیاء إنما ولیی
الله وصالح المؤمنین ولکن لهم رحم أبلها ببلالها متفق علیه عن عمرو بن العاص یعنی آل ابی
فلان نیستند مرا اولیا و دوستان و دوست من خداست و صالح مسلمانان لیکن آنها را با من قرابت است صله رحم میکنم
ازین حدیث مفهوم میشود که سادات و پیرزادگان و اقربای خود اگر کافر باشند یا رافضی و خارجی که بکفر رسانند دوستی با آنها نباید
کرد لیکن از صله و احسان دریغ نباید کرد قال الله تعالی لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین
ولم یخرجوکم من دیارکم أن تبروهم وتقسطوا إلیهم إن الله یحب المقسطین
یعنی بر کفار اهل ذمه هم احسان کردن و نکوئی کردن ممنوع نیست **فصل** ملحق بحق والدین ست حق مرضعه که حق سبحانه تعالی
حرام کرده است از رضاع آنچه حرام کرده از نسب و جمع بین الاختین در نکاح حرام است رضاعاً چنانچه بین الاختین نسباً
حرام است تا موجب قطع نباشد ابی داود از ابی الطفیل روایت کرده که رسول ص برای مرضعه خود چادر خود فرش
کرده و بر آن نشانید **قسم ثالث** قسم دیگر از حقوق حق کسانیکه حق تعالی آنها را مظهر قهاری و مالکیت خود ساخته
و آن حق سلطان مسلم و امیر مسلم و حق قاضی است بر رعیت و حق شوهر بر زن و حق سید بر عبد و حق قهرمان خانه بر
تمام اهل بیت که بند و بست ملک و شهر و خانه به وحدت قهری تعلق دارد **فصل** اطاعت سلطان و امیر شهر و امیر لشکر
واجب است بر رعیت در آنچه خلاف شرع حکم نکنند اگرچه خلاف طبع آنها باشد قال الله تعالی أطیعوا الله و
أطیعوا الرسول وأولی الأمر منکم و سلطان هم داخل اولی الامر اند و رسول فرموده من أطاعنی فقد
أطاع الله ومن عصانی فقد عصی الله ومن یطع الأمیر فقد أطاعنی ومن یعص الأمیر
فقد عصانی وإنما الإمام جنة یقاتل من ورائه ویتقی به فإن أمر بتقوی الله وعدل
فإن له بذلك أجرا وإن قال بغیره فإن علیه منه وزرا حدیث درست متفق علیه عن ابی هریره یعنی هر که
فرمانبرداری من کرد فرمانبرداری خدا کرد و هر که نافرمانی من کرد نافرمانی خدا کرد و هر که فرمان

مملوکان و بندگان خود رحمت واجب کرده پس کسی را که در دنیا راعی ساخته و مالک گردانیده بر ایشان واجب ساخته قال رسول الله علیه السلام والصلوة الا کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته فالامام الذی علی الناس راع وهو مسئول عن رعیته والرجل علی اهل بیته وهو مسئول عن رعیته والمرأة راعیة علی بیت زوجها وولده وهی مسئولة عن رعیتها وعبد الرجل راع علی مال سیده وهو مسئول عنه الا فکلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته متفق علیه عن عبد الله ابن عمر یعنی آگاه باشید که هر یکی از شما راعیست و هر یکی از شما سوال کرده خواهد شد از رعیت او که بحال آنها پرداخته یا آنها را ضایع و مهمل گذاشته پادشاه بر تمام مردمان راعیست سوال کرده خواهد شد از رعیت و مرد در اهل بیت راعیست پادشاه از آنها سوال کرده خواهد شد و زن بر خانه شوهر و اولاد او راعیه است از آنها سوال کرده شود و غلام بر مال مولی راعیست از آن سوال کرده خواهد شد

فصل در حق رعیت بر پادشاه و بر ایشان رسول فرموده ما من وال یلی رعیته من المسلمین فیموت وهو غاش لهم الا حرم علیه الجنة متفق علیه عن معقل بن یسار یعنی نیست کسی والی که بر رعیتی از مسلمانان والی باشد پس بمیرد در حالیکه خیرخواهی رعیت نکرده باشد مگر آنکه حق تعالی بر وی بهشت را حرام کرده فرمود اللهم من ولی من امر امتی شیئا فشق علیهم فاشقق علیه ومن ولی من امر امتی شیئا فرفق بهم فارفق به رواه مسلم عن عایشه یعنی ای بار خدایا هر که والی شود از کارهای امت من چیزی را پس سختی کرد بر آنها پس سختی کن بر وی و هر که والی شود از کارهای امت من چیزی را پس بآنها نرمی و مهربانی کند تو بر وی نرمی و مهربانی کن و مسلم از عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول فرموده عادلان بر منبرها نور باشند نزد حق تعالی آنها که عدل کنند در حکم و اهل آنها و در آنچه والی کرده شده اند و دارمی از ابو هریره از آنحضرت علیه السلام آورده که فرمود نباشد سر گروه ده کس مگر آنکه آورده شود روز قیامت بسته تا که بگشاید او را عدل یا هلاک کند او را ظلم و فرمود ان احب الناس الی الله یوم القیمة واقربهم منه مجلسا امام عادل وان ابغض الناس الی الله یوم القیمة واشدهم عذابا امام جائر رواه الترمذی عن ابی سعید یعنی بدرستیکه محبوب ترین آدمیان بسوی خدا روز قیامت و نزدیکترین مردمان بسوی خدا از روی مرتبه پادشاه عادل باشد و بدرستیکه ناخوشترین آدمیان بسوی خدا روز قیامت سخت تر در عذاب پادشاه ظالم باشد و فرمود ان السلطان ظل الله فی الارض یاوی الیه کل مظلوم من عباده فاذا عدل کان له الاجر وعلی الرعیة الشکر واذا جار کان علیه الاصر وعلی

حقوق رعیت و سلطان

الرَّعِيَّةِ الصَّبْرُ رواه البیهقی عن عمر ابن عمر یعنی پادشاه سایهٔ خداست در زمین می آید بسوی وی هر مظلوم از بندگان او

حق ببرد اگر عدل کرد او را ثواب باشد و بر رعیت شکر واجب شود و اگر ظلم کرد بر وی عذاب و بر رعیت صبر واجب شود

فصل بر قاضی حکم بحق فرض است و حکم خلاف شرع قریب کفر و ظلم و فسق که الله تعالی فرمود وَمَنْ لَّمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللّٰهُ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْكٰفِرُوْنَ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ رسول فرمود صلعم اَلْقُضَاةُ ثَلٰثَةٌ وَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ وَاثْنَانِ فِي النَّارِ فَأَمَّا الَّذِي فِي الْجَنَّةِ فَرَجُلٌ عَرَفَ الْحَقَّ فَقَضٰى بِهٖ وَرَجُلٌ عَرَفَ الْحَقَّ فَجَارَ فِي الْحُكْمِ فَهُوَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ قَضٰى لِلنَّاسِ عَلٰى جَهْلٍ فَهُوَ فِي النَّارِ رواه ابوداود و ابن ماجه عن بریده یعنی قاضیان سه قسمند یکی آنکه عالم باشد بحق و حکم بحق کند این در بهشت باشد دوم آنکه عالم باشد و حکم نکند بحق سوم آنکه جاهل باشد این هر دو در دوزخ باشند و ابوداود از ابوهریره روایت کرده هر که قاضی شود پس عدل او بر جور غالب باشد او را بهشت و هر که غالب شود جور او بر عدل او در دوزخ باشد

فصل در حق زن بر شوهر حق تعالی میفرماید وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوْفِ یعنی زنانرا بر مردان حقیست چنانچه مردانرا بر زنان حقیست رسول کریم میفرماید اِنَّ مِنْ اَكْمَلِ الْمُؤْمِنِيْنَ اِيْمَانًا اَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَاَلْطَفُهُمْ بِاَهْلِهٖ رواه الترمذی عن عائشه و روی الترمذی عن ابی هریره نحوه یعنی از کاملترین مومنان در ایمان کسی باشد که خوبتر است از روی خلق و مهربانتر است با اهل خود و فرمود خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِاَهْلِهٖ وَاَنَا خَيْرُكُمْ لِاَهْلِيْ رواه الترمذی عن عائشه یعنی بهترین شما کسی است که بهتر است برای اهل خود و من بهترم برای اهل خود و معاویه قشیری از رسول کریم پرسید که حق زن بر شوهر چیست فرمود که بخورانی چون خود بخوری و بپوشانی چون خود بپوشی و مزن بر روی او و بد مگو او را و او را تنها گذاشته نروی مگر در خانه باشی رواه احمد و ابوداود و ابن ماجه و فرمود آنحضرت صلعم روزی امشب زنان بسیار بخانهٔ من آمدند و شکایت شوهران خود میکردند آن مردان خوب کس نیستند رواه ابوداود و ابن ماجه والدارمی عن ایاس بن عبدالله

فصل در حق شفقت بر فرزندان رسول کریم فرمود مَنْ عَالَ جَارِيَتَيْنِ حَتّٰى تَبْلُغَا جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَنَا وَهُوَ هٰكَذَا وَضَمَّ اَصَابِعَهٗ رواه مسلم عن انس یعنی هر که پرورش کند دو دختر را تا که بالغ شوند بیاید روز قیامت من و وی چنین و دو انگشت مبارک با هم ضم کرده و در صحیحین از عائشه مرویست که زنی نزد من آمد با وی دو دختر بود نزد من سوال کرد و نزد من چیزی نیافت مگر یک خرما پس دادم او را پس آن زن خرما را درمیان هر دو دختر تقسیم کرد و او خود هیچ نخورد و رفت پس چون نبی صلی الله علیه وسلم آمد و قصه عرض کردم فرمود مَنِ ابْتُلِيَ مِنْ هٰذِهِ الْبَنَاتِ بِشَيْءٍ فَاَحْسَنَ اِلَيْهِنَّ

مگر در روایت ابوهریره الطفهم باهله نیست و خیارکم خیارکم لنسائهم کذا فی المشکوة

یعنی اگر ناخوش شوی بر زن پهلویش خواب مکن مگر در میان باشی

كُنَّ لَهٗ سِتْرًا مِّنَ النَّارِ یعنی هرکه مبتلا شود از دختران بچیزی یعنی چند دختران داشته باشد و با آنها نیکی کند او را پرده شوند از آتش و هم در صحیحین از عایشه مرویست که یک دهقانی نزد رسول صلعم آمد و گفت که شما اطفلان را بوسه میکنید ما بوسه نمیکنیم آنحضرت صلعم فرمود او را اَوَ اَمْلِكُ لَكَ اَنْ نَزَعَ اللّٰهُ مِنْ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ یعنی اگر خدا تعالی از دل تو رحم و شفقت دور کرده من چه چیز را تیار کرد

فصل

در حق مملوکان رسول کریم فرموده اِخْوَانُكُمْ جَعَلَهُمُ اللّٰهُ تَحْتَ اَيْدِيْكُمْ فَمَنْ جَعَلَ اللّٰهُ اَخَاهُ تَحْتَ يَدَيْهِ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَاْكُلُ وَلْيُلْبِسْهُ مِمَّا يَلْبَسُ وَلَا يُكَلِّفُهٗ مِنَ الْعَمَلِ مَا يَغْلِبُهٗ فَاِنْ كَلَّفَهٗ مَا يَغْلِبُهٗ فَلْيُعِنْهُ عَلَيْهِ متفق علیه عن ابی ذر یعنی برادران شما اند کرده است آنها را الله تعالی زیردست شما پس هرکه را حق تعالی برادر او را زیردست او کند باید که بخوراند او را آنچه خود بخورد و بپوشاند او را آنچه خود بپوشد و تکلیف ندهد او را بکاری که بر وی شاق باشد و اگر بکاری شاق امر کند خود هم مددگاری وی کند بر آن کار فرموده اِذَا صَنَعَ لِاَحَدِكُمْ خَادِمُهٗ طَعَامَهٗ ثُمَّ جَاءَهٗ بِهٖ وَقَدْ وَلِيَ حَرَّهٗ وَدُخَانَهٗ فَلْيُقْعِدْهُ مَعَهٗ فَلْيَاْكُلْ فَاِنْ كَانَ الطَّعَامُ مَشْفُوْهًا قَلِيْلًا فَلْيَضَعْ فِيْ يَدِهٖ مِنْهُ اُكْلَةً اَوْ اُكْلَتَيْنِ رواه مسلم عن ابی هریره یعنی وقتیکه طیار کند برای یکی از شما خادم او طعامی پس بیارد آن طعام بدستیکه گرمی آتش و دود او برداشته است پس باید که بنشاند او را همراه خود تا بخورد و اگر طعام اندک باشد و خورنده بسیار باید که بنهد در دست او یک لقمه یا دو لقمه فرموده مَنْ قَذَفَ مَمْلُوْكَهٗ وَهُوَ بَرِيْءٌ مِّمَّا قَالَ جُلِدَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ متفق علیه عن ابی هریره یعنی هرکه نسبت زنا کند مملوک خود را و او پاک باشد از آن او را حق تعالی روز قیامت حد قذف زند و فرموده مَنْ ضَرَبَ غُلَامًا لَهٗ حَدًّا لَمْ يَاْتِهٖ اَوْ لَطَمَهٗ فَاِنَّ كَفَّارَتَهٗ اَنْ يُّعْتِقَهٗ رواه مسلم عن ابن عمر یعنی هرکه زند غلام خود را حد و او موجب حد نکرده است یا او را طبانچه زند پس کفاره او آنست که او را آزاد کند و مسلم از ابی مسعود رضی الله عنه روایت کرده که من غلام خود را میزدم از پس پشت آوازی شنیدم که بدان ای ابا مسعود که حق تعالی بر تو قادر است از آنچه تو بر غلام قدرت داری چون پس پشت دیدم رسول خدا بوده صلعم گفتم یا رسول الله این برای خدا آزاد کردم فرمود اگر چنین نمیکردی آتش ترا میسوخت آخر کلام رسول در مرض موت او بود اَلصَّلٰوةَ وَمَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ رواه البیهقی فی شعب الایمان عن ام سلمه و احمد و ابو داود عن علی نحوه یعنی محافظت کنید بر نماز و بر حقوق مملوکان و فرمود آنحضرت صلعم ثَلٰثٌ مَّنْ كُنَّ فِيْهِ يَسَّرَ اللّٰهُ حَتْفَهٗ وَاَدْخَلَهٗ جَنَّتَهٗ رِفْقٌ بِالضَّعِيْفِ وَشَفَقَةٌ بِالْوَالِدَيْنِ وَاِحْسَانٌ اِلَى الْمَمْلُوْكِ رواه الترمذی عن جابر یعنی سه صفت اند هرکه در وی باشند حق تعالی موت او آسان کند و او را داخل بهشت

مهربانی بر ضعیفان شفقت بر پدر و مادر و نکوئی با مملوکان مردی از آنحضرت پرسید که یا رسول الله چند بار از خادم عفو تقصیر کنم
آنحضرت دو بار جواب نداد مرتبه سوم فرمود که هر روز هفتاد بار ببخشید رواه الترمذی عن عبد الله بن عمر و ابو داود عن عمرو و
آنحضرت آگاه باشید خبر دهم شما را به بدترین شما بدترین شما کسی است که تنها خورد و تنها خیزد مملوک خود را و زند و باز دهد رفد خود را و
رزین عن ابی هریره یعنی رفد اعانت و مددگاریست در قریش رسم بود که هر کس بقدر طاقت خود مال می آورد پس مال
بسیار جمع میشد پس از آن طعام و کشمش خریده میکردند و در موسم حج مردم را میخورانند و شربت می نوشانیدند پس رفد
عبارتست از مالی که اهل شهر جمع کرده برای صادر و وارد و مساکین نگاه دارند **فصل** مملوک اگر جانور باشد بر آنهم
احسان ضرورست رسول کریم صلعم شتری لاغر دید فرمود اتقوا الله فی هذه البهائم المعجمة فارکبوها صالحة
واترکوها صالحة رواه ابو داود عن سهل بن حنظلیه یعنی بترسید از خدا در حق این جانوران بی زبان سواری کنید بر ایشان
بخوبی و بگذارید آنها را بخوبی قسم پنجم قسمی دیگر از حقوق العباد حق همسایه و هم صحبت و همسفرست که مظهر قرب او تعالی
هستند قال الله تعالی واعبدوا الله ولا تشرکوا به شیئا وبالوالدین احسانا وبذی القربی
والیتمی والمسکین والجار ذی القربی والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن السبیل
وما ملکت ایمانکم یعنی عبادت کنید خدا را و شریک مکنید در عبادت او چیزی را و نکوئی کنید با پدر و مادر و نکوئی کنید
و با صاحب قرابت و یتیمان و مسکینان و همسایه که قریب باشد همسایگی او یعنی خانه بخانه متصل باشد یا آنکه همسایه باشد
قرابت و نسب یا در دین داشته باشد و همسایه که نه اینچنین باشد و یار صحبت و ابن عباس و مجاهد و عکرمه گفته که صاحب
بالجنب همسفر باشد و علی رضی الله عنه و ابن مسعود گفته اند که مراد از آن زنست و مسافران بعضی گویند که از ابن السبیل
مهمان مراد است و مملوکان خود را رسول فرمود الجیران ثلثة فجار له ثلثة حقوق حق الجوار
وحق القرابة وحق الاسلام وجار له حقان حق الجوار وحق الاسلام وجار له
حق واحد وهو المشرک من اهل الکتاب رواه ابو نعیم فی الحلیة والحسن بن سفیان والبزار
فی مسندیهما عن جابر یعنی همسایگان سه قسمند یکی همسایه است که او را سه حقست حق جوار و حق قرابت و حق اسلام و یک همسایه را
دو حقست حق جوار و حق اسلام و یک همسایه را یک حقست که مشرک باشد از اهل کتاب و ابن عدی از عبد الله بن عمر همچنین
روایت کرده که رسول فرمود کم من جار یتعلق بجاره فیقول یا رب سل هذا لم اغلق عنی بابه و
منعنی فضله رواه الاصفهانی عن ابن عمر یعنی بسیار همسایه باشد که بگیرد همسایه خود را و بگوید ای پروردگار بپرس از این چرا بسته کرده
دروازه خود را از من و منع کرد مرا از بخشش خورده خود و بخاری از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود که همیشه جبرئیل مرا بحق همسایه

وارث گرداند و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود ص وقتیکه گوشت بپزی شوربا زیاده کن و همسایگان را ضیافت کن
عایشه رض از رسول صلعم پرسید که یا رسول الله مرا دو همسایه هستند بکدامی از آنها هدیه کنم فرمود بهر که نزدیکتر باشد دروازه
او فرمود رسول ص مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْيُحْسِنْ اِلٰى جَارِهٖ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ
وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهٗ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا اَوْ لِيَصْمُتْ
رواه البغوی فی الصحیحین عن ابی هریرة نحوه یعنی هر که بخدا و روز قیامت ایمان داشته باشد باید که با همسایه خود نکوئی کند
و مهمان را گرامی دارد و آنچه نیک باشد سخن گوید یا خاموش باشد سخن بیفایده نگوید بدان اسعدک الله تعالی که چون همسایه را
که در خانه علیحده میباشد چنین حق ثابت شده پس همصحبت و همسفر را بطریق اولی حق واجبست چنانچه بنابر همصحبتی رسول
کریم اصحاب خود را چه قدر مناقب فرموده برای محبت و تعظیم شان مبالغه کرده لیکن واجبست که همنشینی و دوستی با نیکان
کنند با کافران و فاسقان نکنند رسول فرموده ص مَثَلُ الْجَلِيْسِ الصَّالِحِ وَالسُّوْءِ كَحَامِلِ الْمِسْكِ وَ
نَافِخِ الْكِيْرِ فَحَامِلُ الْمِسْكِ اِمَّا اَنْ يُّحْذِيَكَ وَاِمَّا اَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ وَاِمَّا اَنْ
تَجِدَ مِنْهُ رِيْحًا طَيِّبَةً وَنَافِخُ الْكِيْرِ اِمَّا اَنْ يُّحْرِقَ ثِيَابَكَ وَاِمَّا اَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيْحًا
خَبِيْثَةً متفق علیه عن ابی موسی و فی روایة يُحْرِقُ بَيْتَكَ اَوْ ثَوْبَكَ اَوْ تَجِدُ مِنْهُ
رِيْحًا خَبِيْثَةً یعنی حال همسایه نیک و همسایه بد اینچنانست که همسایه نیک مانند صاحب مشک هست یا ترا خواهد
داد و یا تو از و خرید خواهی کرد ورنه بتو بوی خوش خواهد رسید و همسایه بد مانند سوزاننده بوته آتش آهنگرست که خانه
تو یا پارچه تو خواهد سوخت وگرنه بوی بد از و بتو خواهد داد بوی بتو خواهد رسید و همچنین حاکم و ابو داود از انس از آنحضرت ص
روایت کرده که همسایه نیک مثل عطر فروشست اگر عطر بتو نخواهد داد بوی بتو خواهد رسید احمد و ابو داود و ترمذی و حاکم
از ابی سعید خدری روایت کرده اند که فرمود آنحضرت ص همنشینی مکن مگر با مسلمانان کامل الایمان و باید که طعام نخورد ترا مگر
متقی و بغوی از ابو هریره روایت کرده که رسول فرموده ص که آدم بر دین و مذهب دوست خود میباشد پس ببین که با که
دوستی دارد همچنین در صحیحین از ابن مسعود از آنحضرت مرویست که فرمود اَلْمَرْءُ مَعَ مَنْ اَحَبَّ
یعنی انسان در آخرت با کسی مل شد که او را دوست دارد و حق تعالی میفرماید اَلْاَخِلَّآءُ يَوْمَئِذٍۢ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ
عَدُوٌّ اِلَّا الْمُتَّقِيْنَ یعنی دوستان روز قیامت باهم دشمن شوند مگر متقیان و حق تعالی میفرماید که مردم [illegible]
بر دوستی کردن با بدان حسرت خواهند کرد و خواهند گفت يٰوَيْلَتٰى لَيْتَنِىْ لَمْ اَتَّخِذْ
فُلَانًا خَلِيْلًا ای هلاکی کاشکے من نمیگرفتم فلان کس را دوست مولوی روم میگوید

دور شو از اختلاط یار بد ؛ یار بد بدتر بود از مار بد ؛ مار بد تنها همین بر جان زند یار بد بر جان و بر ایمان زند صحبت صالح
ترا صالح کند صحبت طالح ترا طالح کند نار خندان باغ را خندان کند صحبت نیکان ترا نیکان کند و در صحیحین
از ابو هریره رضه مرویست که در حدیث طویل از رسول کریم در حق جماعت ذاکر کنندگان که چون حقتعالی برایشان رحمت کند و بخشاید
تمام همنشینان آنها را بخشاید فرشته از فرشتگان گوید ای پروردگار مرویست گنهگار از آنها نیست برای کاری آمده نزد آنها
نشست حق تعالی فرماید که او را هم بخشیدم آن قومیست که همنشین شان بدبخت نباشد و لهذا رسول کریم صلعم از همنشین بد و همسایه
بد پناه جسته طبرانی از عقبه بن عامر روایت کرده که رسول صلعم در دعای خود میگفت اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ
یَوْمِ السُّوْءِ وَمِنْ سَاعَةِ السُّوْءِ وَمِنْ لَیْلَةِ السُّوْءِ وَمِنْ صَاحِبِ السُّوْءِ وَمِنْ جَارِ السُّوْءِ فِیْ
دَارِ الْمُقَامَةِ یعنی الهی پناه میجویم بتو از روز بدی و از شب بدی و از ساعت بدی یعنی از روزی و شبی و ساعتی که در آن بدی
وقوع شود و از همنشین بدی و همسایه بدی یعنی همنشین و همسایه که مصدر بدی باشد همسایه که در خانه اقامت همسایه باشد و برای
احتراز همسایه بد رسول کریم در بیع زمین حق شفعه واجب کرده **فایده** پس شفیع را باید که اگر مشتری نیکو دست طلب شفعه نکند
و اگر بد است از خریدار راضی نشود **قسم ششم** قسمی دیگر از حقوق العباد حق عامه مؤمنین است خصوصاً از آنها حق کسی
است که عاجز و یتیم و مسکین یا بیمار یا بیوه حق سائلیست و حق مسافر و مهمان که وارد شود قال الله تعالی وَاٰتَی الْمَالَ عَلٰی
حُبِّهٖ ذَوِی الْقُرْبٰی وَالْیَتٰمٰی وَالْمَسٰکِیْنَ وَابْنَ السَّبِیْلِ وَالسَّآئِلِیْنَ وَفِی الرِّقَابِ
و فرمود وَاٰتِ ذَا الْقُرْبٰی حَقَّهٗ وَالْمِسْکِیْنَ وَابْنَ السَّبِیْلِ یعنی نیکو کار کسی است که داد مال بر
دوستی خدا ذوی القربی و یتیمان و مسکینان و مسافران و سائلان را و در آزادی بندگان و فرمود حق تعالی فَاَمَّا
الْیَتِیْمَ فَلَا تَقْهَرْ وَاَمَّا السَّآئِلَ فَلَا تَنْهَرْ یعنی یتیم را قهر مکن و سوال کننده را زجر مکن و فرمود آنحضرت صلعم اَنَا وَ
کَافِلُ الْیَتِیْمِ فِی الْجَنَّةِ هٰکَذَا رواه احمد و البخاری و ابو داود و الترمذی عن سهل بن سعد
یعنی من و باربردارنده یتیم در جنت اینچنین باشند و اشارت کرد به دو انگشت خود و فرمود مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِاللّٰهِ
وَالْیَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْیُکْرِمْ ضَیْفَهٗ جَائِزَتُهٗ یَوْمٌ وَّلَیْلَةٌ وَضِیَافَتُهٗ ثَلٰثَةُ اَیَّامٍ
فَمَا بَعْدَ ذٰلِكَ فَهُوَ صَدَقَةٌ متفق علیه عن ابی شریح الکعبی یعنی هر که ایمان دارد بخدا و روز قیامت پس باید که
گرامی کند مهمان خود را یک شبانه روز در مهمانی او تکلف باید نمود و مهمانی تا سه روز است و بعد از آن صدقه است
و فرمود صلعم لِلسَّآئِلِ حَقٌّ وَّاِنْ جَآءَ عَلَی الْفَرَسِ رواه ابو داود عن الحسین بن علی رضی الله عنهما و احمد
عن الحسین یعنی سوال کننده را حق میباشد اگر چه بر اسپ سوار شده آمده باشد یعنی اگر چه غنی باشد حالانکه سوال کردن غنی را حرام است

ورسول فرمود لِلْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتَّةٌ بِالْمَعْرُوفِ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ إِذَا لَقِيَهُ وَيُجِيبُهُ
إِذَا دَعَاهُ وَيُشَمِّتُهُ إِذَا عَطَسَ وَيَعُودُهُ إِذَا مَرِضَ وَيَتْبَعُ جَنَازَتَهُ إِذَا مَاتَ وَ
يُحِبُّ لَهُ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ رواه احمد والترمذي وابوداود عن علي والنسائي عن ابي هريرة رض نحوه یعنی مسلمان را بر مسلمان
شش حق اند سلام گوید بروی چون ملاقات کند و جواب دهد چون بخواند یا قبول دعوت او کند و یرحمک الله گوید چون
حمد کند بعد عطسه و بیمارپرسی کند چون بیمار شود و همراه جنازه او رود چون بمیرد و دوست دارد برای او آنچه دوست دارد برای
نفس خود و اصفهانی از علی رض از انس رض علیه السلام روایت کرده که فرمود بدرستیکه اگر یکی از شما بگذارد تشمیت یعنی یرحمک الله
گفتن برادر خود را وقتیکه عطسه کند و الحمد لله گوید پس مطالبه خواهد کرد او را روز قیامت و همچنین ابونعیم از سعید بن
جبیر روایت کرده و مسلم از ابی موسی روایت کرده که آنحضرت فرمود اگر کسی بعد عطسه الحمد لله گوید او را یرحمک الله بگوئید و اگر نگوید
نگوئید و در صحیحین از ابی سعید خدری روایت کرده که آنحضرت علیه السلام فرمود که پرهیز کنید از نشستن بر راهها
یاران گفتند یا رسول الله از نشستن بر راهها چاره نداریم فرمود که پس حق او ادا کنید راه را گفتند که حق راه چیست
فرمود که چشم بستن از حرام و اذیت نرسانیدن و جواب سلام گفتن و امر کردن بمشروع و نهی کردن از نامشروع و ابوداود
از عمر درین قصه زیاده کرده و فریادرسی کنید رنج رسیده را و راه نمائید گم شده را قال الله تعالی وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ
فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا یعنی وقتیکه کسی سلام گوید
بر شما پس جواب گوئید مثل آن یا بهتر از آن یعنی در جواب السلام علیکم گوئید علیکم السلام یا ضم کنید با او ورحمة الله یا ورحمة الله وبرکاته
مسلم از ابی هریره رض روایت کرده که رسول فرمود داخل بهشت نخواهید شد تا که ایمان آرید و ایمان کامل نخواهد شد
تا که باهم دوستی کنید پس فرمود که خبر دهم شما را بچیزیکه باهم دوست شوید افشوا السلام بینکم یعنی بسیار کنید سلام باهم و
از ابن مسعود از آنحضرت روایت کرده که کسیکه اول سلام گوید پاک شود از تکبر کسی از آنحضرت پرسید که از خصلتهای
اسلام کدامی بهتر است فرمود بخورانی طعام و بخوانی سلام بر هر که شناسی یا نشناسی آیه کریمه اذا حییتم اگرچه در حق سلام آمده
لیکن بعموم لفظ دلالت دارد بر آنکه مسلمانی با مسلمانی هرچه سلوک نیک کند مانند فرستادن هدیه یا ذکر خیر یا اشاره سلام
بدست یا تبسم یا تواضع یا ایستادن یا مصافحه یا معانقه یا مانند آن که دلیل اظهار محبت باشد ثانی را باید که مکافات او
بمثل آن کند یا بهتر از آن کند کلمه إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا بر آن دلالت دارد یعنی حق تعالی
بر هر چیز حساب کننده است احمد ترمذی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت فرمود تمام تحیه شما مصافحه است آنحضرت
فرمود باهم مصافحه کنید کینه دور شود و باهم هدیه بفرستید محبت زیاده شود و کینه برطرف گردد و فرمود آنحضرت

که اگر دو مسلمان با هم مصافحه کنند هیچ گناه باقی نماند همه بریزد و آنحضرت ابوذر را در بغل گرفته فرمود که اینجا بیار خوب است
رواه ابوداود و فرمود آنحضرت ﷺ لَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ يَلْتَقِيَانِ
فَيُعْرِضُ هٰذَا وَيُعْرِضُ هٰذَا وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ متفق علیه عن ابی ایوب
الانصاری یعنی حلال نیست هر کسی را که ترک ملاقات کند برادر خود را زیاده از سه روز ملاقی شوند هر دو پس اعراض کنند
از یکدیگر بهتر از ایشان کسی است که سبقت کند به سلام ابوداود از عائشه از آنحضرت ﷺ روایت کرده که فرمود که مسلمان را
جائز نیست که زیاده از سه روز ترک کند برادر را پس وقتیکه یکی با دیگری ملاقات کرد و سلام گفت سه بار و او جواب نداد
گناه هر دو را بر خود گرفت احمد و ابوداود از ابوهریره نیز روایت کرده که آنحضرت ﷺ فرمود که حلال نیست مسلمان را که برادر خود
مسلمان را زیاده از سه روز ترک کند اگر زیاده از سه روز ترک کند و بمیرد داخل دوزخ شود ابوداود از ابوهریره هم
در روایت دیگر همین مضمون مذکور نقل کرده چون سه روز بگذرد باید که یکی با دیگری ملاقات کند و سلام گوید پس
اگر او جواب داد هر دو داخل ثواب شوند و اگر جواب نداد گناه بر دوم باقی ماند و او از گناه مهاجرت کرده بیرون شد و فرمود
رسول الله ﷺ إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَحَاسَدُوا
وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللّٰهِ إِخْوَانًا وَفِي رِوَايَةٍ وَلَا تَنَافَسُوا عن ابوهریره یعنی دور باشید
از بدگمانی که بدگمانی دروغ ترین سخنهاست یعنی اگر شخصی عیبی گوید نشنوید و جاسوسی نکنید یعنی در عیبهای
مردم سعی کرده دریافت [illegible] با هم حسد مکنید که از دیدن خوبی دیگری ناخوشی بردارید و با هم بغض و عداوت مکنید و با هم
تقاطع مکنید یعنی یکی بدیگری پشت کند و از رو گردانند و باشید بندگان خدا با هم برادر و در روایتی آمده و لا تنافسوا
یعنی هر کس شئ نفیس بسوی خود کشد و دیگر برادران شرکت نخواهد و آنحضرت فرمود که درهای بهشت روز دوشنبه و روز
پنجشنبه کشاده میشود و حق تعالی هر مسلمان را می‌بخشد بگر آن کسی را که با هم عداوت داشته باشند و بگوید بگذارید اینها را تا که
با هم صلح کنند رواه مسلم عن ابی هریره مرویست که آنحضرت فرموده که روز قیامت مردی مردی را بگیرد او گوید که تو با من چکار
داری من ترا نمی‌شناسم آن مرد گوید که تو مرا بر کار بد دیدی یعنی نهی از منکر نکرده [illegible] صورتیکه داند که او قبول نخواهد
کرد و رسول مقبول صلی الله علیه وسلم لَا يَرْحَمُ اللّٰهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ متفق علیه عن
جریر بن عبد الله یعنی رحم نمیکند خدا بر کسی که رحم نمیکند بر مردمان فرمود الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمٰنُ
ارْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ رواه ابوداود و الترمذی
عن عبد الله بن عمرو یعنی رحم کنندگان را رحمن رحم میکند رحم کنید کسانیکه در زمین اند رحم کند شما را حق تعالی حکم

او همارا لعنت و اسما او رحم کنند ملائکه آسمان و فرمود مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَلَمْ يَعْرِفْ كَبِيرَنَا فَلَيْسَ مِنَّا
رواه البخاري في الأدب وابوداود عن ابن عمر یعنی هرکه رحم نکند بر صغیر ما و نشناسد حق بزرگ ما پس از ما نیست و فرمود رسول ص
نیست دروغگو کسی که صلح کناند در مردم بگوید نیک و برساند پیغام نیک این حدیث را در صحیحین از ام کلثوم بنت عقبه
روایت کرده و احمد و ترمذی از اسماء بنت یزید روایت کرده که گفت رسول ص حلال نیست دروغ گفتن مگر سه جا
دروغ گفتن با زن برای راضی کردن او و دروغ در جنگ کفار یعنی بقسمیکه عذر نباشد و دروغ گفتن برای صلح
در مردم فرمود ص أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلَ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّدَقَةِ وَالصَّلٰوةِ صاحبان گفتند بلی
یا رسول الله فرمود إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ فَإِنَّ فَسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ رواه ابوداود والترمذی
عن ابی الدرداء و قال هذا حدیث صحیح آنحضرت اصحاب را گفتند که خبر دهم شما را بچیزیکه افضل باشد در درجه از روزه
و صدقه و نماز اصحاب گفتند آری خبر ده یا رسول الله فرمود صلح کنانیدن در میان مردم افضل است از روزه و صدقه
و نماز و فساد کردن در مردم حالقه است فرمود آنحضرت دَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الْأُمَمِ قَبْلَكُمُ الْحَسَدُ وَ
الْبَغْضَاءُ هِيَ الْحَالِقَةُ لَا أَقُولُ تَحْلِقُ الشَّعْرَ لٰكِنْ تَحْلِقُ الدِّيْنَ رواه احمد والترمذی عن زبیر یعنی
آمد بسوی شما مرضیکه در امتهای پیشین بود یا هم حسد کردن و بغض نمودن این صفت حالقه است یعنی تراشنده نمیگویم
که موی را میتراشد بلکه دین را میتراشد و فرمود آنحضرت ص پرهیز کنید از حسد بدرستیکه حسد میخورد نکوئیها را چنانچه میخورد
آتش را رواه ابوداود عن ابی هریره و فرمود آنحضرت ص إِيَّاكُمْ وَسُوءَ ذَاتِ الْبَيْنِ فَإِنَّهَا
الْحَالِقَةُ رواه الترمذی عن ابی هریره یعنی پرهیز کنید از بدی درمیان مردم که این صفت تراشنده است دین را
و فرمود آنحضرت ص مَنْ ضَارَّ ضَارَّ اللّٰهُ وَمَنْ شَاقَّ شَاقَّ اللّٰهُ عَلَيْهِ رواه ابن ماجه والترمذی
عن ابی صرمة یعنی هرکه ضرر رساند دیگری را خدا او را ضرر رساند و هرکه مشقت دهد دیگری را خدا او را مشقت دهد و ترمذی
از ابی بکر صدیق روایت کرده که فرمود آنحضرت ص که ملعون است کسی که مومنان را ضرر رساند یا مکر کند با آنها و ابوداود
از سعید بن زید از سرور عالم ص روایت کرده که فرمود که زبان درازیست در آبروی مسلمانی بغیر حق و رسول
فرمود مَنِ اعْتَذَرَ إِلَى أَخِيْهِ فَلَمْ يَعْذِرْهُ وَلَمْ يَقْبَلْ عُذْرَهُ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ خَطِيْئَةِ صَاحِبِ
مَكْسٍ رواه البیهقی عن جابر یعنی هرکه عذر خواهد بسوی برادر خویش و عذر قبول نکند باشد بر وی
گناه مانند صاحب راهداری بدان اسعدک الله تعالی حق اخوة اسلامی بالاتر است از حقوق [illegible]
در حق قرابت نسبی پدر و مادر واسطه اند و در اخوة اسلامی خدا و رسول خدا واسطه اند [illegible]

رسول کریم پدر ہمہ مومنانست حق تعالی میفرماید اَلنَّبِيُّ اَوْلٰی بِالْمُؤْمِنِيْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَاَزْوَاجُهٗ
اُمَّهٰتُهُمْ و در قرارة ابی بن کعب خوانده شد وَهُوَ اَبٌ لَّهُمْ یعنی نبی صلی الله علیه وسلم اولی است بتصرف در مومنان
از نفس آنها و ازواج او مادران مومنان هستند و او پدر آنهاست لهذا حق تعالی فرمود اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ اِخْوَةٌ
فَاَصْلِحُوْا بَيْنَ اَخَوَيْكُمْ یعنی نیستند مومنان باہم مگر برادران خود بنابر اخوة اسلامی ملایکه برای مومنان
استغفار میکنند حق تعالی میفرماید اَلَّذِيْنَ يَحْمِلُوْنَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهٗ يُسَبِّحُوْنَ
بِحَمْدِ رَبِّهِمْ الاٰيَة و میفرماید اَلْمَلٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ
يَسْتَغْفِرُوْنَ لِمَنْ فِي الْاَرْضِ یعنی حاملان عرش و آنها که گرد اوست تسبیح میکنند با حمد پروردگار خود و استغفار
میکنند برای کسانیکه ایمان آورده اند و جای دیگر میفرماید فرشتگان تسبیح با حمد میکنند پروردگار خود را و برای
اہل زمین استغفار میکنند سوال اگر حق اخوة اسلامی از اخوة نسبی و دیگر حقوق بالاتر است پس تعالی اخوة نسبی را چرا
مقدم نوشتی و حقتعالی میفرماید وَاُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰی بِبَعْضٍ فِيْ كِتٰبِ اللّٰهِ مِنَ
الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُهٰجِرِيْنَ یعنی اقربای نسبی بعضی بعضی را اولی و بهتر اند از مومنان و مهاجران لهذا میراث
در قرابت نسبی ست نه در قرابت اسلامی و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اَلصَّدَقَةُ عَلَی الْمِسْكِيْنِ
صَدَقَةٌ وَهِيَ عَلٰی ذِي الرَّحِمِ ثِنْتَانِ صَدَقَةٌ وَّصِلَةٌ رواه احمد والترمذی والنسائی
وابن ماجه عن سلیمان بن عامر جواب قرابت نسبی وغیره که بالا مذکور شده اند در ہمه آن اسلام شرط است و ہمه جا اسلام
معتبر ست معنی آیت آنست که اولوا الارحام که مسلمان اند از مومنان و مهاجرین که قرابت نسبی ندارد بهتر اند
و وارث مقدم مراد حدیث آنکه صدقه بر مسکین مسلم اجنبی یک ثواب دارد و بر ذی رحم که مسکین مسلم
باشد دو ثواب دارد و لهذا اقربا اگر کافر باشند میراث بآنها نمی رسد بلکه بعامه مومنین رسد و در بیت
المال که خزانه عامه مومنین ست داخل کرده شود و اگر پدر ہم کافر باشد گو نفقه او بر پسر واجب ست
لیکن محبت و دوستی با وی نباید کرد بلکه بیزاری باید نمود قال الله تعالی مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِيْنَ
اٰمَنُوْا اَنْ يَّسْتَغْفِرُوْا لِلْمُشْرِكِيْنَ وَلَوْ كَانُوْا اُولِيْ قُرْبٰی مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ
لَهُمْ اَنَّهُمْ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ اِبْرٰهِيْمَ لِاَبِيْهِ اِلَّا عَنْ مَّوْعِدَةٍ وَّعَدَهَا
اِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهٗ اَنَّهٗ یعنی نباشد نبی را و مومنین را که مغفرت خواهند برای مشرکان اگرچه باشند
اہل قرابت بعد از آنکه ظاهر شود آنها را که آنها از اہل جهنم اند و نبود استغفار ابراهیم برای

پدر خود مگر از جهت وعده که به پدر خود کرده بود که اسلام خواهد آورد و بس هرگاه که ظاهر شد بری که این دشمن خداست
از وی بیزاری کرد و لهذا حدیث كُلُّ نَسَبٍ وَصِهْرٍ يَنْقَطِعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَسَبِي وَصِهْرِي
صحیحست ابن عساکر از ابن عمر روایت کرده یعنی هر قرابت نسبی و قرابت صهری دامادی که باشد روز قیامت منقطع خواهد شد
مگر قرابت نسبی و صهری من مراد پیغمبر این نیست که قرابت همه مومنان غیر هم منقطع خواهد شد مگر قرابت پاک من بلکه مراد آنست
که همه مسلمانان فرزندان من اند نسب و صهر مومنان منقطع نخواهد شد دلیل برین تفسیر آنست که حقتعالی در حق مومنان
میفرماید وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ
وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ یعنی کسانیکه ایمان آورده اند و اولاد شان تابع ایشان شدند در ایمان اولاد شانرا
در بهشت بمرتبه پدران ملحق خواهیم کرد و از عمل پدران کم نخواهیم کرد و نیز حقتعالی میفرماید وَمَا أَمْوَالُكُمْ
وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا
یعنی اموال کافران و اولاد آنها نزد ما نزدیک نخواهند کرد مگر کسیکه ایمان آورده است و عمل صالح کرده اموال
و اولاد آنها نزد ما نزدیک خواهند کرد و در حق کافران فرموده فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ
یعنی نسبهای شان درمیان شان نخواهند ماند روز قیامت فرمود وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ
منقطع خواهد شد درمیان شان اسباب وصلت ازین آیات دیگر و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم معلوم میشود
که نسب در مومنان باقی خواهد ماند و یکی دیگر را مفید خواهد شد هم بسبب قرابت و هم بسبب شیخی وغیره و کافرانرا
هیچ فایده نخواهد کرد يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ
الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ یعنی روز قیامت بگریزد از برادر
خود و مادر و پدر و زن و فرزندان خود و دوستان آنروز باهم دشمن خواهند مگر متقیان غرض ازین
کلام آنست که در جمیع حقوق مذکوره هر کسیکه در اسلام و تقوی افضل و اقوی باشد او برای محبت و صلت
اولی و احق باشد والله اعلم قسم هفتم دیگر از حقوق آنست که بنده باختیار خود بر خود لازم کرده اند
و این هم در حقوق الله است و هم در حقوق الناس و هر یک ازان بسه قسمت قسمی آنست که سبب وجوب
آن طاعت باشد دوم آنکه سبب وجوب آن معصیت باشد سوم آنکه سبب آن امر مباح باشد فصل چون بنده کسب طاعات
آن نذر است بعبادت اگر نذر کند بعبادت مقصوده که از جنس آن عبادت فرض باشد چون نماز یا روزه یا صدقه
آن نذر بلا شرط یا بشرط کسیکه موجب شکر باشد از نعمتهای دینی یا دنیوی چنانچه گوید که اگر بیمار من شفا

یا غایبی قدوم کند صد روزه دارم ایفای اینچنین نذر فرض ست بعد وجوب در شرط ثانی قال الله تعالی وَلْيُوفُوا
نُذُورَهُمْ یعنی باید که وفا کنند نذرهای خود را و آنچه بعبادتی غیر مقصود کند چنانچه نذر کند که برای هر نماز وضوی جدید کرده
باشم ایفای آن مستحب است و واجب نیست و نذر بمعصیت باطل است چنانچه گوید که اگر بیماری شفا یابد سرود کنم رسول
فرمود لَا نَذْرَ فِي مَعْصِيَةِ اللهِ یعنی نذر بمعصیت جایز نیست و نذر بامر مباح هم لغو است و سوای
شهدا اندر کردن پای پیغمبر یا برای کسی از اولیا گناه است قریب بشرک **فصل** در حق الله تعالی که سبب آن امر مباح است
چون کفاره یمین و در بعضی اوقات و قضای رمضان بعد افطار مسافر یا مریض روزه رمضان که سبب وجوب قضاست
فصل در حق الله که سبب آن معصیت است چون حدود که بسبب زنا یا سرقه یا شرب یا قذف واجب شود و کفارات
که بسبب افطار روزه یا قتل خطا یا ظهار واجب شود **فصل** حق العباد که سبب آن طاعت است چون ایفای وعده چیزی که ضرور است
قال الله تعالی وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا یعنی وفا کنید عهد را بدرستیکه سوال کرده شود بدان
و رسول فرمود اَلْعِدَةُ دَيْنٌ رواه الطبرانی عن علی و ابن مسعود و روی ابن عساکر عن علی عنه صلعم
اَلْعِدَةُ دَيْنٌ وَيْلٌ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ أَخْلَفَ وَيْلٌ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ أَخْلَفَ وَيْلٌ لِمَنْ وَعَدَ
ثُمَّ أَخْلَفَ یعنی وعده حکم دین دارد و هلاکت ست مر کسی را که وعده کند پس وفا نکند اینکلمه سه بار فرمود و در صحیحین از ابو هریره
مرویست که رسول فرمود آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ زَادَ مُسْلِمٌ وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ
مُسْلِمٌ ثُمَّ اتَّفَقَا إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ
یعنی علامت منافق سه چیز است و مسلم زیاده آورده و گفته اگرچه روزه دارد و نماز گزارد و بگوید که من مسلمانم یکی آنکه چونکه
سخن گوید دروغ گوید و چون وعده کند وفا نکند و چون امانت سپرده شود خیانت کند و از عبد الله بن عمر مرویست
که رسول فرمود چهار چیز است هر که این چهار در وی باشد منافق بود چون امانت سپرده شود خیانت کند و چون سخن
گوید دروغ گوید و چون عهد کند غدر و فریب کند در آن و چون نزاع کند با کسی دشنام دهد و حق العباد که سبب آن امری
مباح باشد آن دینیست و مانند آن که بسبب بیع و شرا و اجاره و استجاره و استعاره و ابتیاع و استقراض و نکاح و خلع و مانند
آن لازم شود ادای این حقوق یعنی تسلیم مبیع بعد قبض ثمن بمشتری و تسلیم نفقه بزوج و تسلیم مبیع بشفیع و ایفای
ثمن و قرض و مهر و اجرت و رد عاریت و ودیعت و مانند آن از فرائض مقام مخصوص است و از حقوق الله تعالی که
[illegible] دارند اولی بالاداست و در تلف این حقوق و عدم ادای بودن احتمال عدم مغفرت
است رسول فرمود صلی الله علیه و سلم يُغْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلُّ ذَنْبٍ إِلَّا الدَّيْنَ

۲۵

رواه مسلم عن عبد الله بن عمرو یعنی بخشیده میشود برای شهید هر گناه مگر دین فرمود مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ متفق علیه
عن ابی هریرة یعنی درنگ کردن در ادای دین بعد میسر شدن ظلمست جنازهٔ پیش پیغمبر آمد برای نماز آنحضرت پرسید آیا
بر وی دین کسی هست گفتند نی آنحضرت بر وی نماز جنازه خواند دیگر جنازه آمد پرسید که بر وی دین کسی هست یعنی حق بندگان گفتند
هاست گفت مالی گذاشته است گفتند آری سه دینار آنحضرت بر وی نماز خواند سوم جنازه آمد پرسید که بر وی دین کسی هست
گفتند آری سه دینار پرسید که چیزی مال گذاشته است گفتند نی فرمود شما نماز بر وی بخوانید ابو قتاده گفت یا رسول الله
دین او بر خود گرفتم نماز بر وی بخوان آنگاه نماز خواند بخاری از سلمه بن اکوع روایت کرده بغوی در شرح
سنة از ابی سعید خدری روایت کرده که جنازه آمد رسول علیه السلام پرسید که بر وی دین هست گفتند آری
آنحضرت پرسید که مقدار دین مال گذاشته است گفتند نی حضرت فرمود که شما خوانید علی رض گفت که دین وی بر خود بر گرفتم
آنوقت نماز خواند گفت علی را که حق تعالی ترا از بند گناه رها کناد چنانچه تو یار خود را از بند رها کردی مسلم از ابی قتاده روایت کرده
که مردی گفت یا رسول الله در حالیکه رو بر قتال داده باشم پشت نداده باشم حق تعالی گناهان بخشد فرمود آری مگر دین
این چنین گفته در برای ادای مهر حقتعالی میفرماید وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً
یعنی بدهید زنان را مهرهای شان بخوشی دل از مال حلال بی شبهه بنا بر این فرمود أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَجْرَهُ
قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ عَرَقُهُ رواه ابن ماجه عن ابن عمر و ابو یعلی عن ابی هریرة و الطبرانی عن جابر و الحکیم الترمذی عن انس
یعنی بدهید مزدور را مزدوری او پیش از آنکه خشک شود عرق او و رسول فرمود إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ
إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ فَبَاتَ لَعَنَتْهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ متفق علیه عن
ابی هریرة یعنی وقتیکه شوهر زن خود را بر فرش خود طلب کند و او انکار کند شوهر بغصه بخوابد فرشتگان تا صبح بر آن لعنت کنند
قال الله تعالی إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا یعنی الله تعالی حکم میکند
شما را که امانتها را بمالکان شان ادا کنید **وصل** اگر شخصی اراده ادای دین داشته باشد و او را میسر نشود و بمیرد امید هست
که حقتعالی در آخرت داینان او را راضی سازد و او را بهشت برد رسول فرمود مَنْ تَدَايَنَ بِدَيْنٍ
وَفِي نَفْسِهِ وَفَاؤُهُ ثُمَّ مَاتَ تَجَاوَزَ اللَّهُ عَنْهُ وَأَرْضَى غَرِيمَهُ بِمَا شَاءَ وَمَنْ تَدَايَنَ
بِدَيْنٍ وَلَيْسَ فِي نَفْسِهِ وَفَاؤُهُ ثُمَّ مَاتَ اقْتَصَّ اللَّهُ تَعَالَى لِغَرِيمِهِ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
رواه الحاکم عن ابی امامة یعنی هر که معامله کند و دین بر وی لازم شود و اراده ادای آن دارد و بمیرد حق تعالی او را
بخشد و داینان او را راضی سازد و هر که معامله کند و دین دار شود و اراده ادا نداشته باشد عوض ...

حق تعالی عز اسمه در روز قیامت طبرانی و حاکم هم از ابی امامه مثل این روایت کرده اند باین عبارت مَنْ اَدَانَ دَیْنًا وَهُوَ یَنْوِیْ اَنْ لَّا یُؤَدِّیَهٗ فَمَاتَ فَقَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی یَوْمَ الْقِیٰمَةِ اِنِّیْ لَاٰخُذُ بِعَبْدِیْ بِحَقِّهٖ فَیُؤْخَذُ مِنْ حَسَنَاتِهٖ فَیُجْعَلُ فِیْ حَسَنَاتِ الْاٰخَرِ فَاِنْ لَّمْ یَکُنْ لَهٗ حَسَنَاتٌ اُخِذَ مِنْ سَیِّئَاتِ الْاٰخَرِ فَیُجْعَلُ عَلَیْهِ یعنی هر که بگیرد قرض و اراده ادای وی نداشته باشد بگوید حقتعالی که من بنده خود را ازین حق میگیرم پس از حسنات مدیون بدین داینیده شود و اگر حسنات نباشد گناهان داین بر مدیون نهاده شود و طبرانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود دو قسم اند

هر که بمیرد و نیت ادای وی داشته باشد پس من ولی آنم یعنی او را بخشایم و از حق تعالی دین او ادا کنم هر که بمیرد و نیت ادای وی ندارد گرفته شود از حسنات او در آنروز درهم و دینار نیست و همچنین از ابن عمر از آنحضرت مرویست

فصل و حقوق العباد که سبب آن معصیت است چون قتل نفس یا قتل عضو یا گرفتن مال کسی بغصب یا قهر یا خیانت یا آبروی کسی بردن از دشنام مانند آن یا غیبت ادای این حق رد مظلمه و استرضای مظلوم است بدون استرضای مظلوم عفو و مغفرت در اتلاف همچنین حقوق نمیتواند شد الا ما شاء الله رسول فرمود اَلدَّوَاوِیْنُ ثَلٰثَةٌ فَدِیْوَانٌ لَا یَعْبَأُ اللّٰهُ بِهٖ شَیْئًا وَدِیْوَانٌ لَا یَتْرُکُ اللّٰهُ مِنْهُ شَیْئًا وَدِیْوَانٌ لَا یَغْفِرُهُ اللّٰهُ اَمَّا الدِّیْوَانُ الَّذِیْ لَا یَغْفِرُهُ اللّٰهُ فَالشِّرْکُ وَاَمَّا الدِّیْوَانُ الَّذِیْ لَا یَعْبَأُ اللّٰهُ بِهٖ شَیْئًا فَظُلْمُ الْعَبْدِ نَفْسَهٗ فِیْمَا بَیْنَهٗ وَبَیْنَ رَبِّهٖ مِنْ صَوْمٍ تَرَکَهٗ اَوْ صَلٰوةٍ تَرَکَهَا فَاِنَّ اللّٰهَ تَبَارَکَ وَتَعَالٰی یَغْفِرُ ذٰلِکَ وَیَتَجَاوَزُ لِمَنْ یَّشَآءُ وَاَمَّا الدِّیْوَانُ الَّذِیْ لَا یَتْرُکُ اللّٰهُ مِنْهُ شَیْئًا فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا اَلْقِصَاصُ لَا مُحَالَةَ رواه الحاکم و احمد عن عائشة رض یعنی نامهای اعمال سه گونه اند یکی آنست که حق تعالی هیچ نمی شمارد او را و دیگری آنست که آنرا هیچ نمیگذارد و دیگر آنست که آنرا هرگز نمی بخشد آن نامه که آنرا نمیبخشد هرگز آن شرکست و آن نامه که آنرا هیچ نمیشمارد آن ظلم بنده است بر نفس خود بترک حقوق حقتعالی از ترک روزه و نماز و مانند آن پس حقتعالی می بخشد این را هر که را میخواهد و آن نامه که از آن هیچ نمیگذارد آن ظلم بندگانست یکی بر دیگری در آن عوض و قصاص خواهد شد البته و طبرانی و مانند آن از سلمان و بزاز همچنین از انس روایت کرده اند فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم هر که باشد نزد او مظلمه برای برادر خود باید که در دنیا از وی بخشاید که در روز قیامت نه دینارست نه درهم اگر ظالم را عمل صالح باشد بقدر ظلم عمل او گرفته بمظلوم داده شود و اگر عمل صالح نباشد

گناهان مظلوم را از وی برداشته بر ظالم نهاده شود رواه البخاری عن ابی هریرة و مسلم و ترمذی از ابی هریره روایت میکنند که رسول صلعم از یاران پرسید که مفلس کدام کس باشد یاران گفتند مفلس کسی باشد که مال و متاع نداشته باشد آنحضرت فرمود مفلس از امت من کسی باشد که در روز قیامت حاضر شود با نماز و روزه و زکوة لیکن یکی را دشنام داده باشد و یک را تهمت زنا کرده باشد و کسی را مال خورده باشد و کسی را خون ریخته باشد و کسی را زده باشد پس نشانیده شود و را او از و عوض گرفته شود هر یکی از حسنات او بگیرد پس چون از حسنات او هیچ نماند و تمام حقوق که بر ذمه او بوده باشد ادا نشده باشد گرفته شود گناهان مظلومان و نهاده شود بر وی پس او را در دوزخ انداخته شود و رسول فرموده مَا مِنْ رَجُلٍ يَضْرِبُ عَبْدًا لَهُ إِلَّا أُقِيدَ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رواه البزار و الطبرانی عن عمار و عن ابی هریرة نحوه یعنی هیچ مرد نباشد که زده باشد غلام خود را مگر آنکه عوض گرفته شود از وی روز قیامت و همچنین حاکم از سلمان و سعد و ابن مسعود و غیرهم روایت کرده و همچنین طبرانی از ابی امامه و ابی بردہ و انس روایت کرده و هناد از ابراهیم نخعی روایت کرده گفته بودند جماعه صحابه و تابعین میگفتند که اگر مردی دیگر را گفت ای سگ یا خوک یا خر حق تعالی روز قیامت خواهد پرسید که تو دیده بودی که من او را سگ یا خوک یا خر آفریده بودم فایده ظلم چنانچه بر مسلم حرام است بر ذمی هم حرام است که عهد با اهل ذمه عهد رسول است صلی الله علیه و سلم عهدشکنی رسول صلعم لازم می آید رسول فرموده مَنْ قَذَفَ ذِمِّيًّا لَهُ حُدَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بِسِيَاطٍ مِنْ نَارٍ رواه الطبرانی عن واثلة بن الاسقع یعنی هر که تهمت زنا کند بر ذمی او را روز قیامت حد زده خواهد شد بدره از آتش و فرموده أَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا أَوِ انْتَقَصَهُ مِنْ حَقِّهِ أَوْ كَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ أَوْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا بِغَيْرِ طِيبِ نَفْسِهِ فَأَنَا حَجِيجُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ یعنی آگاه باشید هر که ظلم کند ذمی را یا کم کند از حق او یا تکلیف دهد او را زیاده از طاقت او یا گرفت از و چیزی بی رضامندی او پس من خصومت کننده باشم با وی روز قیامت فایده باید دانست که هر گناهیکه باشد سوای شرک جزای آن متناهیست اگرچه کثیر و شدید باشد پس مقتضای این احادیث آنست که حقوق عباد خصوصاً مظالم هرگز مهمل گذاشته نشود و قصاص آن ضرور است مظلومان از ثواب حسنات ظالمان داده شود تا وقتیکه هیچ از حسنات شان نماند پس اگر مظالم باقی ماند گناهان مظلومان بر ظالمان نهاده آنها را داخل دوزخ کرده شود پس هرگاه که بجزای سیات منتهی شود اگرچه بعد مکث طویل شود ظالمان از مظالم پاک شوند آنزمان داخل بهشت کرده شوند بمقتضای ایمان که جزای ایمان خلود در بهشت است همچنین امام بیهقی گفته لیکن از شامت مظالم گاه باشد که ایمان سلب شود

نعوذ بالله منها حق تعالی از صدهر مظالم در پناه خود دارد **شعر** مباش در پی آزار و هرچه خواهی کن که در
شریعت ما غیر ازین گناهی نیست + یعنی در شریعت محمدی مانند مظالم هیچ گناه نیست **فائده** اگر بذمه شخصی
مظالم بود و توبه کند و از ظلم اجتناب کند و رد مظالم و استرضای مظلومان از مقدور او خارج باشد درین صورت
امید هست که حق تعالی خصمان او را روز قیامت راضی سازد و رسول فرموده رَجُلَانِ مِنْ اُمَّتِي جَثَيَا

بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعِزَّةِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ اَحَدُهُمَا يَا رَبِّ خُذْ لِي مَظْلَمَتِي مِنْ اَخِي فَقَالَ اللهُ اَعْطِ اَخَاكَ مَظْلَمَتَهُ فَقَالَ يَا رَبِّ لَمْ يَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِي شَيْءٌ فَقَالَ اللهُ كَيْفَ تَصْنَعُ لَمْ يَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِهِ شَيْءٌ فَقَالَ يَا رَبِّ يَحْمِلُ مِنْ اَوْزَارِي فَفَاضَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْبُكَاءِ وَقَالَ اِنَّ ذٰلِكَ يَوْمٌ عَظِيمٌ يَوْمٌ يَحْتَاجُ النَّاسُ اِلَى اَنْ يُحْمَلَ عَنْهُمْ اَوْزَارُهُمْ فَقَالَ اللهُ اِرْفَعْ رَاْسَكَ فَانْظُرْ فِي الْجِنَانِ فَرَفَعَ رَاْسَهُ فَقَالَ يَا رَبِّ اَرَى مَدَائِنَ مِنْ فِضَّةٍ مُرْتَفِعَةً وَمِنْ ذَهَبٍ مُكَلَّلَةً بِاللُّؤْلُؤِ لِاَيِّ نَبِيٍّ اَوْ لِاَيِّ صِدِّيقٍ اَوْ لِاَيِّ شَهِيدٍ هٰذَا فَقَالَ لِمَنْ اَعْطَى الثَّمَنَ قَالَ رَبِّ وَمَنْ يَمْلِكُ ذٰلِكَ قَالَ اَنْتَ تَمْلِكُهُ قَالَ بِمَ قَالَ بِعَفْوِكَ عَنْ اَخِيكَ قَالَ رَبِّ اِنِّي قَدْ عَفَوْتُ عَنْهُ قَالَ اللهُ تَعَالَى خُذْ بِيَدِ اَخِيكَ فَاَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِتَّقُوا اللهَ وَاَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ فَاِنَّ اللهَ يُصْلِحُ بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رواه الحاکم والبیهقی وسعید بن منصور عن انس یعنی دو

مرد از امت من دو زانو نشینند پیش رب العزت پس یکی بگوید ای پروردگار مظلمهٔ من از برادر من بگیر حق تعالی او را فرماید
که بده مظلمه برادر خود را او بگوید ای پروردگار هیچ از حسنات باقی نمانده است حق تعالی مظلوم را فرماید چه میکنی از حسنات او
هیچ باقی نمانده است او گوید ای پروردگار گناهان من از من بردارد و از ریختن چشم مبارک آنحضرت صلی الله
علیه وسلم اشک ریخت و فرمود که آن روز سخت روز باشد مردم محتاج شوند به آنکه کسی گناهان من بردارد حق تعالی مظلوم را
فرماید که سر بردار و ببین در بهشت پس سر بردارد و بگوید که الهی شهرها می بینم از نقره عالی مرتبه و از زر مرصع
بمروارید برای کدام نبی یا کدام صدیق یا کدام شهید خواهد بود این شهر حق تعالی فرماید که این برای کسی است که بدهد قیمت
بگوید ای پروردگار کیست مالک این قدر حق تعالی فرماید که تو مالک قیمت آن هستی او بگوید از چه چیز فرماید که بخشیدن
حق خود برادر خود را او گوید یا رب بخشیدم از وی حق تعالی فرماید که بگیر دست این را و داخل بهشت کن

رسول فرمود حرامی گردم پر ہیز کنید از عذاب خدا و نیکو کاری با خود ہا کنید کہ حقتعالی در روز قیامت در مسلمانان آشتی خواہد کرد یعنی
یعنی ہر کرا خواہد و رسول فرمود در روز قیامت چون بہشتیان داخل بہشت شوند و دوزخیان یعنی کافران داخل دوزخ
یک آواز دہندہ آواز دہد یعنی اہل جمیع مظالم را بہم بخشید و ثواب شما بر خداست رواہ الطبرانی عن انس و عن امہانی نحوہ
امام محمد غزالی گفتہ کہ این احادیث محمول شد بر کسیکہ از مظالم توبہ کند و آیندہ ترک دہد و آنہا اواب باشند کہ حقتعالی در شان
آنہا میفرماید اِنَّهٗ كَانَ لِلْاَوَّابِيْنَ غَفُوْرًا قرطبی گفتہ کہ این تاویل خوبست و حکم عام نیست اگر عام بودے کسی داخل
دوزخ نشدی سوال اگر شخصی بر دیگری ظلم کرد بر نفس یا مال یا آبرو مظلوم را انتقام آن جایز باشد یا نہ جواب انتقام بمثل مظلمہ
او جایز ست و زیادہ از آن حرام ست و عدم انتقام افضل و اولی قال اللہ تعالی فَاعْتَدُوْا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدٰى
عَلَيْكُمْ یعنی عوض کنید بروی مانند آنچہ او ظلم کردہ ست بر شما این امر برای اباحت ست قال اللہ تعالی وَاِنْ
عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوْا بِمِثْلِ مَا عُوْقِبْتُمْ بِهٖ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصّٰبِرِيْنَ وَاصْبِرْ
وَمَا صَبْرُكَ اِلَّا بِاللّٰهِ یعنی اگر عوض کنید پس عوض کنید مانند آنچہ بر شما کردہ ست و اگر صبر کنید پس صبر بہتر ست
برای صبر کنندگان و صبر کن ای محمد و نباشد صبر تو مگر بتوفیق و مددگاری و سبحانہ قال اللہ تعالی وَجَزٰٓؤُا سَيِّئَةٍ
سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَاَصْلَحَ فَاَجْرُهٗ عَلَى اللّٰهِ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الظّٰلِمِيْنَ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ
ظُلْمِهٖ فَاُولٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيْلٍ اِنَّمَا السَّبِيْلُ عَلَى الَّذِيْنَ يَظْلِمُوْنَ النَّاسَ وَيَبْغُوْنَ فِي
الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ اِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ
یعنی جزای بدی بدیست کہ مثل آن باوی کردہ شود پس ہر کہ عوض نکند و بخشد و آشتی جوید پس ثواب او بر خداست بدرستیکہ حقتعالی
ظالمان را دوست نمیدارد یعنی دشمن میدارد و ہر کہ عوض گیرد بعد مظلومی خود پس نیست بروی ہیچ مواخذہ در دنیا و آخرت بر کسیکہ
ظلم کنند بر مردم و فساد کنند در زمین ناحق آنہا را عذاب الیم شد و ہر کہ صبر کند و بخشد مظلمہ خود بدرستیکہ بہترین چیزہاست رسول فرمود
اَلْمُسْتَبَّانِ مَا قَالَا فَعَلَى الْبَادِئِ مِنْهُمَا مَا لَمْ يَعْتَدِ الْمَظْلُوْمُ رواہ احمد و مسلم و ابوداود و الترمذی عن ابی ہریرۃ یعنی دو
کس کہ باہم بدگوئی کنند گناہ ہر دو بدگوئی بر کسی ست کہ اول گفت تا کہ ثانی زیادہ نکند از آنچہ اول گفتہ است فرمود آنحضرت صلعم
اَلْمُسْتَبَّانِ شَيْطَانَانِ يَتَهَاتَرَانِ وَيَتَكَاذَبَانِ رواہ احمد و البخاری فی الادب بسند صحیح عن عیاض بن حمار یعنی دو کس باہم بدگوئی
میکنند ہر دو شیطانند باہم کلام باطل میگویند و باہم دروغگوئی میکنند وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ اِدْفَعْ بِالَّتِيْ
هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِيْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهٗ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهٗ وَلِيٌّ حَمِيْمٌ وَمَا يُلَقّٰهَآ اِلَّا الَّذِيْنَ
صَبَرُوْا وَمَا يُلَقّٰهَآ اِلَّا ذُوْ حَظٍّ عَظِيْمٍ وَاِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطٰنِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ

بالله انه هو السميع العليم یعنی نیکی و بدی یکسان نیست پس هر که نیکی تواند کرد بدی چرا اختیار کند بدی را
بنیکی دفع کن یعنی اگر کسی با تو بدی کند تو عوض آن نیکی کن ازین عمل بدی او برطرف شود اگر آن کسی که با تو
دشمنی دارد دوست یکرنگ قریب خواهد شد و این خصلت نخواهد کرد این صفت را مگر صابران و اخذ نخواهد کرد این صفت را مگر
کسیکه نزد خدا نصیبه کامل دارد و اگر وسوسه بخاطر تو رسد از طرف شیطان که باز دارد ازین عمل پس پناه جو از خدا بدرستیکه
خدا سمیع و علیم ست ترا پناه دهد مردی گفت یا رسول الله مرا چند غلامند که مرا دروغگو میگویند و خیانت میکنند و
نافرمانی میکنند و من آنها را میزنم و دشنام میدهم پس چگونه باشد مرا از آنها آنحضرت فرمود که خیانت و تکذیب
و عصیان آنها با عقاب تو حساب کرده خواهد شد پس اگر عقاب تو از عقاب آنها کم خواهد بود ترا فضیلت خواهد بود و اگر
عقاب تو بقدر گناه آنها خواهد بود برابر خواهند شد و اگر عقاب تو از گناه شان زیاده خواهد بود بقدر زیادتی از تو
عوض گرفته خواهد شد آنمرد گریستن و با آواز ناله کردن گرفت رسول فرمود آیا قرآن نخوانده و نضع الموازين
القسط ليوم القيمة فلا تظلم نفس شيئا وان كان مثقال حبة من خردل
اتينا بها وكفى بنا حاسبين یعنی خواهیم نهاد ترازوهای عدل روز قیامت پس ظلم کرده
خواهد شد هیچکس چیزی و اگر خواهد بود ظلم بوزن دانه خردل خواهیم آورد و بس ایم حساب کننده آنمرد گفت یا رسول الله
بهتر چیزی نمییابم از جدا کردن آنها بدرستیکه من ترا شاهد میکنم که آنها را آزاد کردم رواه احمد و ترمذی عن عایشه رض
شعر بدی را بدی سهل باشد جزا اگر مردی احسن الی من اساء نبیل در حسن خلق و نرمی و مذمت تکبر
حق تعالی در حق رسول کریم فرمود وانك لعلى خلق عظيم بدرستیکه تو بر خلق عظیم هستی و فرمود فبما رحمة
من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف
عنهم واستغفر لهم وشاورهم یعنی بسبب رحمت خدا که برتست نرم شدی تو برای مردم یعنی کریم و رحیم
شدی و اگر میبودی بدخلق سخت دل هر آینه جدا میشدند از گرد تو پس ببخش تقصیرات شانرا و دعای مغفرت کن برای
آنها اگر تقصیری کنند و در هر کار با آنها مشورت کن و حقتعالی در حق خاصان خود میگوید وعباد الرحمن الذين يمشون
على الارض هونا واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما یعنی بندگان خاص آنانند که راه میروند بر زمین بنرمی و اگر جاهلان
با آنها خطاب بجهل میکنند آنها در جواب آن کلام گویند که موجب سلامت باشد از ایذا و گناه رسول فرمود هر که از رفق و نرمی
محروم شد از همه خیر محروم شد رواه مسلم عن جریر و فرمود محبوب ترین شما نزد من کسیست که اخلاق او نیک باشد رواه البخاری عن عبد الله بن عمرو
و در صحیحین ست بهترین شما نیک خلق ترین شماست و رسول فرمود ان المومن ليدرك بحسن خلقه درجة قائم الليل وصائم النهار

[illegible] أتمم حسن الأخلاق رواه مالك في الموطا ورواه [illegible]

[illegible] حسن اخلاق را و رسول فرمود صلعم من تواضع لله [illegible]

[illegible] در حدیث قدسی است الكبرياء ردائي والعظمة [illegible]

فمن [illegible] منهما قذفته في النار رواه احمد وابوداود وابن ماجه عن ابي هريرة

وابن ماجه [illegible] الحاكم عن ابي هريرة الكبرياء ردائي فمن نازعني في ردائي قصمته

یعنی حق تعالی فرمود کبریا و تکبر چادر منست عظمت و بزرگی ازار منست هر که کشاکشی کند با من چیزی ازین

هر دو بیندازم او را در دوزخ و در روایتی هر که چادر من کشید هلاک کنم او را **شعر** داریم ترا از گنج مقصود نشان

گر ما نرسیدیم تو شاید برسی **رزقنا الله سبحانه من الخصال ما يرضاه والحمد لله**

تعالى أولا وآخرا والصلوة والسلام والبركة على رسوله وآله وصحبه

ومتبع سنته بعونه تعالى

الحمد لله که بتاریخ چهارم ماه شهر ذی الحجه نسخه حقیقة الاسلام جامع حقوق عباد و پروردگار با نام تصنیف سلالة العلماء

زبدة الفقهاء مفسر کلام الله حضرت قاضی **ثناء الله پانی پتی** قدس سره

در دار السلطنت لاهور باهتمام و حسن سعی

کارپردازان مطبع احمدیه

انطباع پوشید

S. Dewan Mohamed Khan Sahib

Khazar کتبه سید احمد امین آبادی

[illegible]